



شرح دعای سوم صحیفه سجادیه

شناخت حاملان عرش

محقق و نویسنده : فاطمه پورشفیغ

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

اسفند ۹۵

چکیده:

ابزارها در شناخت اشیاء و معرفت آنها حسی و نقلی (غیر از استنتاج عقلی) است. حسی که بدانیم حواس ما برای این آفریده شده اند تا موجودات عالم ماده را تشخیص دهند. نقلی آنچه را که از راه نقل حکایت می کند.

فرشتگان نوعی از مخلوقات خدا و بندگان خدایند که بالدار هستند ، زندگی می کنند ، و می میرند. دارای اراده و عقل اند. گاهی که نیاز باشد برای انجام فرمان خدا بصورت انسان ظاهر می شوند . آنها از حیث فضل و مقام در جات متفاوتی دارند مانند روح الامین ، روح القدس؛ که خداوند از آنان دو فرشته مأمور بر انسان دارد که اعمال خیر و بد او را ثبت می کنند و نیز ملکه الموت و زیردستان او آنان همه به وظایف الهی خود عمل می کنند . از آنجا که عالم فرشتگان و جن و روح در قیامت و ابتدای آفرینش برای ما محسوس و مشهود نیست ما راهی جزء راه نقل از طریق پیامبران خدا برای شناخت آنها نداریم.

کلید واژگان: شناخت ملائکه – انواع آن – صفات آنها -

مقدمه:

دعای سوم صحیفه سجادیه تصویری از ملائکه است. چه شگفت انگیز است این خلق بزرگ آفرینش! هزاران هزار ملائکه هر کدام مسئولیت پذیر و موظف به انجام وظیفه در برابر اوامر الهی اند.

برای ملائکه خطا و اشتباه مفهوم ندارد. عذر و بهانه در کارشان نیست. در وجود مجردشان، اختیار و انتخاب نسبت به انجام وظایف، جای نفوذی ندارد. ملائکه بدون غرور و تکبر و بدون تأخیر در انجام وظایف، مطیع و فرمانبردار خداوند تعالی هستند. گروهی مأمور گرفتن جانها گاهی زیبا برای مؤمنین و گروهی بدچهره برای بدکاران و مشرکین و کفار ظاهر می شوند. گروهی مأمور ثبت اعمال خوب و بد هستند. گروهی مأمور بهشت و گروهی مأمور جهنم هستند. ملائکه نزول برکات الهی از آسمانها و ملائکه نویسنده تقدیر و سرنوشت برای بشر به فرمان الهی. سائق و شهید که در قیامت از پشت سر انسان را می رانند در حالیکه ملائکه گواه نیز همراه با آنها هستند ووووووو....

هدف من از شرح این قسمت از دعا صحیفه سجادیه، شناخت ملائکه و روح است. دین اسلام اکمل و اتم ادیان الهی است، و با پژوهش و تحقیق در رابطه با ملائکه ضمن آشنایی با شریعت دین اسلام، قوانین و نظام عالم خلقت و آفرینش در تکوین و تشریح بیش از پیش آشکار می گردد.

هر انسانی هم نشینش ابلیس است چه بخواد و چه نخواهد؛ او انسان را در هر حال رها نمی کند و به گونه ای که کاروان ابلیسیان را در امور فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و حکومتی تشکیل می دهد. پس وظیفه انسان شناخت ظرفیت خود و عمل درست در راه احقاق حق و بر پایی استقامت بر دین است. انسان مؤمن، دعا و صلوات ملائکه را بدنبال خود دارد و با آن جان دیگری می گیرد.

او باید بداند که بهنگام راه رفتن - کار کردن - فکر کردن - نشستن و بر خاستن همیشه نیازمند به ملائکه است. انسانی که توسط ملائکه در رحم، روح به کالبدش دمیده می شود، پس به دنیا می آید و در طی گذران عمر، تحت آزمایشات الهی قرار می گیرد؛ نتیجتاً یا برنده است در این آزمایشات و یا بازنده؛ اگر برنده باشد درود ملائکه شامل حالشان می شود و اگر بازنده باشد شیاطین انس و جن او را اسیر دست بلهوسی و کوتاه نظری و گمراهی و غیره قرار می دهند تا لحظه مرگ که ملائکه قبض روح به سراغش می آید.

اینجا پرسشی مطرح است!:

آیا ای انسان خود را برای چنین لحظه ای آماده کرده ای؟

آیا ملائکه قادرند اذن رحمت الهی (شفاعت) را در لحظه قبض روح تو از خداوند تعالی بگیرند؟

آیا تو در ترک دنیا، غرق در ایمان هستی یا غرق در کفر؟

تکلیف انسان بعد از ورود به دنیا، رسیدن به کمال است و اگر کجروی در مسیر زندگیش پیدا شود و گمراهی شیوه او گردد دیگر کمال برای او معنا نخواهد داشت و در آخرت از شفاعت خدا و رسول و ملائکه خبری نخواهد بود.

آنچه از مجموعه دعا سوم صحیفه سجادیه دانسته می شود:

این پژوهش به دنبال شناسایی اجمالی ملانکه و نقش و ماموریت آنان در عالم خلقت و به صورت مشخص، استخراج و شناسایی نقش و فعالیت های فرشتگان مقرب الهی، میکائیل و جبرئیل (علیهم السلام) و ملک الموت و اسرافیل است شناخت جن و ابلیس و شیطان و بالاخره شناخت روح از دیگر پژوهش و تحقیق بر این دعا است.

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ كُلِّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ:

دعائی از امام سجاد(ع) در درود و صلوات بر حاملان عرش و ملائکه مقرب:

اللَّهُمَّ وَ حَمَلَةُ عَرْشِكَ الَّذِينَ لَا يَفْتُرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ، وَ لَا يَسْأَمُونَ مِنْ تَقْدِيرِكَ، وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ مِنْ عِبَادَتِكَ، وَ لَا يُؤْثِرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى الْجِدِّ فِي أَمْرِكَ، وَ لَا يَغْفُلُونَ عَنِ الْوَلَةِ إِلَيْكَ

خدایا، درود فرست بر حاملان عرش خود که در تسبیح تو سستی نمی‌کنند، و از تقدیس تو دل زده نمی‌شوند، و از پرستش تو در نمی‌مانند، و در فرمانبرداری تو، به جای کوشش، کوتاهی نمی‌ورزند، و در عشق ورزی به تو لحظه‌ای غفلت نمی‌کنند.

در جهان هستی علاوه بر موجودات محسوس، موجودات دیگری وجود دارند که نامحسوسند و با حواس ظاهری انسان قابل ادراک نیستند. این موجودات انواعی دارند که فرشتگان یک نوع از آن‌ها به شمار می‌روند. فرشتگان جزو عالم غیب و ملکوتند که به حکم صریح قرآن، اعتقاد به آن‌ها ضروری است. آن‌ها مظهر پاکی، برکت و صداقتند و از مسوولیتی که خداوند بر عهده آن‌ها گذاشته است، سرپیچی نمی‌کنند. کمیت آن‌ها نیز بسیار است که هر یک در عالم هستی به امر خداوند، کارگزارند. با این حال، ورود بعضی خرافه‌ها و باورهای وارداتی از دیگر ادیان تحریفی به آموزه‌های اسلامی سبب شده است تا برداشت‌های ناصوابی از این موجودات در جامعه اسلامی رواج داشته باشد.

ملائکه چه کسانی هستند؟

پاسخ:

کلمه ملائکه به معنای موجوداتی است که مخلوق و واسطه بین خدا و بین عالم مشهور اند.

آفرینش کدامیک از موجودات خلق شده الهی بیشتر است؟

پاسخ:

پیامبر خدا (ص) فرمودند: از چیزهایی که خدا خلق کرده، چیزی بیشتر از ملائکه و فرشتگان وجود ندارد. (تفسیر قمی ۲۰۶/۲)

امام صادق (ع) فرمودند: سوگند به آنها که جانم در دست اوست، فرشتگان خدا در آسمانها بیشتر از شمار خاک در زمین هستند و در آسمان هیچ جای پای نیست مگر اینکه در آن جا فرشته‌ای مشغول تسبیح و تقدیس خداست و در زمین هیچ درخت و کلامی نیست مگر اینکه در آن فرشته‌ای است گماشته بر آن. (البحار الانوار ۷/۱۷۶/۵۹)

جنس فرشتگان الهی از چیست؟

پاسخ:

فرشتگان را خداوند از نور آفریده است. (الاختصاص ۱۰۹)

وجود آنها از ماده جسمانی پیراسته است. جسمانی بودن ماده ای این است که در معرض زوال و فساد است و خاصیتش این است که در حرکت به سمت غایت خود تدریجاً به کمال می رسد و گاهی اوقات هم با موانع و آفاتی بر خورد می کند و از هدف محروم می شود و پیش از رسیدن به آن از بین می رود. پس فرشته را نباید در صورت انسانی تصوّر کرد که ادراک و شکل و صورت انسانی می یابد و آنچه در مورد فرشته گفته می شود ربطی به تصوّر و تشکّل ندارد. تمثّل فرشته به انسان، عبارتند از ظهور فرشته بصورت انسان برای کسی که آنرا مشاهده می کند و در ظرف تشکّل صورت انسانی می یابد.

از پیامبر(ص) سوال شد ملائکه از چه خلق شده اند؟

پاسخ:

پیامبر اکرم(ص) می فرمایند: ملائکه مخلوق خداوند هستند پس خداوند نوری را گشود و از آن نور عرش را بوجود آورد سپس از نور چهره برادر علی، نوری را گشود پس از آن ملائکه را خلق کرد سپس، نور دختر فاطمه را گشود و از آن نور آسمان و زمین را خلق کرد پس نور فرزندم، حسن را گشود پس از آن نور خورشید و ماه را خلق کرد. سپس نور فرزندم حسین را گشود که از آن بهشت و جنّت و حورعین را خلق کرد.

سپس نور فرزندم حسین را شکافت و از آن نور، بهشت و حورالعین را آفرید، بهشت و حورالعین از نور فرزندم حسین و نور فرزندم حسین از نور خداست و فرزندم حسین افضل از بهشت و حورالعین است تا آخر خبر. عن معاذ بن جبل ان رسول الله علیه السلام قال: ان الله خلقني و عليا و فاطمه و الحسن و الحسين عليه السلام قبل ان يخلق الدنيا بسبعة آلاف عام. قلت فاین كنتم يا رسول الله؟ قال قدام العرش، نسبح الله و نحمده و نقده و نمجده. قلت علی ای مثال؟ (قال اشباح نور...)

روایت از معاذ بن جبل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند علی، فاطمه، حسن و حسین، و مرا هفت هزار سال پیش از آفرینش دنیا آفرید؛

عرض کردم ای رسول خدا پس در آن وقت کجا بودید؟ فرمود: در برابر عرش اگر مراد از کلمه دنیا در این حدیث، عالم محسوسات باشد، بر اولیت نور پنج تن دلالت نمی کند چون صراحت دارد که، عرش قبلا وجود داشته و اگر (منظور همه موجودات باشد بعد از آفرینش نور آنها، عرش را به وجود آورده، سپس در برابر عرش قرار گرفته اند.. پرسیدم در چه مثال در چه صورتی بودید؟ فرمود در صورت شبهای نور

{بحار الانوار: ج ۵۷ ص ۱۹۲ به نقل از مصباح الانوار}

{علل الشرایع: ج ۱ ص ۱۹۸؛ بحار الانوار؛ ج ۵۷ ص ۱۷۵؛ تفسیر فرات ص ۱۳۴}

پس ملائکه در خدمتگزاری بهیچ وجه کوتاهی ندارد چون این عنصر نوری به شدت به امامت علاقه دارند. آنچه قابل گفتن است که این موجود عنصر نوری از لطائف موجودات عالم است که به هر صورتی حتی صورت پیغمبر و نبی در می آید. ولی بصورت سگ و خوک مصوّر نمی شوند - ملائکه حق گویان و حق طلبان را دوست دارند.

فرشتگان چه صفاتی دارند؟

پاسخ:

۱- فرشتگان نه می خورند و نه می خوابند و نه می آشامند و نه ازدواج می کنند، بلکه با نسیم عرش زندگی می کنند. در آنها نه سستی است و نه غفلت و نه نافرمانی و نه معصیت و نه سهو و اشتباه - آنان مثل انسان از آبی پست آفریده نشده اند و در زهدانها جای نگرفته اند و یکباره پدید آمده اند و در آسمانها جای گرفته اند (تفسیر قمی ص ۲۰۶) آنان در شکلهای گوناگون و اندازه های متفاوت آفریده شده اند. بالدار هستند و شکوه و قدرت و عزّت الهی را می ستایند.

۲- خداوند فرشتگان را فرمان حرکت می دهد، برای مثال، امام صادق(ع) در تعریف میکائیل می فرماید: هر گاه خداوند میکائیل را فرمان دهد که به دنیا فرود آید پای راستش در آسمان هفتم و پای دیگرش در زمین هفتم است (تفسیر قمی ۲/۲۰۶)

۳- ادب فرشتگان، الفاظ نیکو از فرشتگان که عالیترین نوع ادب را در برابر خدا دارد، سبحانک، تقدس لک.

۴- علم فرشتگان که محدود است "لا علم لنا" پس باید فقط به وظیفه خود عمل کنند که خداوند بر عهده اش نهاده است.

۵- خداوند فرشتگان را گوناگون خلق کرد . برخی از آنها کارشان سجده است و رکوع نمی کنند. بعضی همواره در رکوعند و قامت راست نمی کنند . بعضی تسبیح می گویند و از آن به ستوه نمی آیند.

تقدیس چیست؟

پاسخ:

ملائکه بخدا می گویند ، نحن نُسَبِّحُ و بحمدک و نقدس لک (بقره ۳۰/۱) فرشتگان روی سه مسئله در باره صفات خودشان تکیه کردند . تسبیح ، حمد، تقدیس. بدون شک تسبیح و حمد یعنی خدا را از هرگونه نقص پاک بدانند و او را صاحب تمام کمالات بدانند اما در این که مقصود از تقدیس چیست؟ بعضی آن را پاک شمردن پروردگار از هر گونه نقصان دانسته اند که در حقیقت بر همان معنای تسبیح تأکید می شود . ولی برخی معتقدند که تقدیس از ماده "قدس" است یعنی پاکسازی روی زمین از فاسدان و مفسدان یا پاکسازی خویشتن از هر گونه صفات زشت و مذموم و تطهیر جسم و جان برای خدا-

آیا فرشتگان ظرفیت پذیرش علم الهی را به آن صورت که خدا به بشر داده دارند؟

پاسخ:

خیر، علم آنها محدود است و استعداد فراگیری همه علوم را ندارند.

جنس فرشتگان از چیست؟

پیامبر خدا (ص) می فرماید : در احتجاج با مشرکان ؛ فرشته را حواس شما در نمی یابد زیرا آن از جنس این هواست که دیده نمی شود . اگر به فرض دیدگان شما چندان قوی و تیز بین شود که فرشته را ببیند خواهید گفت : این فرشته نیست بلکه بشر است(البحار ۱/۱۷۱/۵۹)

آیا فرشتگان می توانند واسطه تدبیر جهان هستی باشند؟

پاسخ:

فرشتگان هم در این جهان و هم در آن جهان واسطه میان خدای تعالی و موجودات دیگر هستند. واسطه بودن آنها در مرحله تشریح ، یعنی نزول وحی و جلوگیری از مداخله شیاطین در آن و تقویت پیامبر و تأیید مؤمنان و پاک کردن آنها به وسیله استغفار کاملاً واضح است.

آیات فراوانی نشان می دهد که فرشتگان واسطه ای در هنگام بازگشت انسانها به عالم دیگر و ظهور نشانه های مرگ و ستاندن جان و جاری ساختن سؤال و ثواب و عذاب قیر و میراندن و زنده گردانیدن همگان با دمیدن در صور و محشور کردن و دادن نامه اعمال بدست بندگان و بر پاداشتن ترازوها و رسیدگی به حساب بندگان و راندن آنها بسوی بهشت و جهنم و دوزخ هستند.

بر شمردن کارهای ملائکه از قرآن ؛، وساطت در نزول وحی ، ابلاغ پیام الهی پیامبران ، تدبیر امور عالم ، وساطت در وصول فیض الهی به مخلوقات ، استغفار بر بندگان ، شفاعت برای مؤمنان و امداد آنان، لعن کافران ، ثبت اعمال بندگان ، قبض روح آنان بهنگام مرگ از جمله مأموریت های الهی است که فرشتگان آنها را اجرا می کنند.

علل و فلسفه وجودی ملائکه چیست و چه نیازی به آنهاست که مقسمات امر باشند؟

پاسخ:

خداوند تبارک و تعالی جهان هستی را بر اساس قانون علت و معلول و رعایت ترتیب سلسله علل ، خلق نموده است مبر اساس حکمت الهی که همان رعایت قانون علت و معلوم و لزوم تناسب و سنخیت میان آنهاست و اراده و خواست خدای متعال ، فلسفه وجود ملائکه و نقش آنان در جهان هستی ، تبیین می گردد. علاوه بر این که از نظر عقلی نیز خلقت و علیت بدون رعایت تناسب میان علت و معلول و سنخیت بین آندو محال است. برای ایجاد سنخیت و تناسب بین خدایی که از وحدت ذاتی بر خوردار است و کثرات مکانی (موجودات مادی) به موجوداتی نیاز است که نقش واسطه را بازی کنند و کثرت محض نداشته باشند و از این جهت این قابلیت پدید آید که فیض از عرش به فرش سرازیر گردد. و فرشتگان الهی موجوداتی اند که در آموزه های دینی صاحب این نقش هستند و از کارگزاران الهی محسوب می شوند. (تمهید القواعد ص ۱۷۲- تحریر تمهید القواعد- ایت الله جوادی آملی)

انواع گوناگون ملائکه در سوره صافات را بر شمارید:

پاسخ:

- ۱- ملائکه بصف کشیده در آسمان همانطور که انسانها در نماز صف می بندند.
- ۲- ملائکه ای که وقتی می خواهند به زمین بیایند بالهای خود را (تا شانرده بالا یا بیشتر نوشته شده است) چون بال عقاب باز نگه می دارند و بر هم نمی زنند و منتظر فرارسیدن فرمان الهی هستند (والصافات صفا)
- ۳- ملائکه ای که آماده اند تا به بشر خدمت کنند! چگونه؟ همانطور که شیطان انسان را وسوسه می کند و داخل وجود انسان می شود این ملائکه بصورت الهام و خطور قلبی به قلب ایشان راه می یابد. و بندگان را از معاصی زجر و نهی می کنند(الزجرات).
- ۴- ملائکه ای که وحی را بر پیامبران می خواندند.(تالیات)
- ۵- اعوان جبرئیل در نزول وحی - الصافات - زجرات- تالیات هستند. و علت مؤنث بودن جمع آن ؛ اینکه؛ اینجا سخن از جماعتی است و برای جماعت مؤنث بکار می رود و این سه واژه به اعتبار لفظ جماعت آمده که مؤنث لفظی شده است.
- ۶- خداوند وحی را بوسیله (جبرئیل و اعوان ایشان) به پیامبرش می رساند . در این میان در ساکنان آسمان حکم می راند ، چگونه؟ ملائکه صافات در بین آسمان . زمین که محلّ رخنه شیاطین است صف می بندند و آنها را از مداخله در کار وحی زجر می کنند . و این تصرف اوست بین آسمان و زمین و هم در شیاطین.(تفسیر المیزان - علامه طباطبائی- تفسیر سوره صافات)

گفتار خداوند متعال در قرآن در باب ملائکه چگونه است؟

پاسخ:

لایسبقونه بالقول و هم بامرہ یعلمون(۲۷/انبیاء)

خدای سبحان در مورد فرشتگان آورده اند:

- ۱- فرشتگان موجوداتی گرامی هستند که میان خدا ی متعال و عالم مشهود واسطه اند.
- ۲- هیچ حادثه ای و رخ دادی کوچک و بزرگی پیش نمی آید مگر اینکه فرشتگان در آن دستی دارند و تعداد آنها بستگی به حادثه و رخ داد دارد.
- ۳- نقش فرشتگان در این حوادث ، جریان انداختن فرمان الهی در بسترش یا قرار دادن آن در جایگاهش است چنانکه در آیه فوق گفته شد.

۴- فرشتگان از فرمانهای خدا سرپیچی نمی کنند چون اراده مستقل وجودی مستقل ندارند که بر خلاف خواست خداوند سبحان چیزی را بخواهند تغییر دهند یا کم ویا زیاد کنند یا تحریف نمایند.

۵- بین فرشتگان مراتب متفاوتی است بعضی فرا دست و بعضی فرو دستند آنکه فرا دست است دستور خدا را برای گروه فرو دست می برد.

۶- فرشتگان هیچ از خود اختیاری ندارند و هیچ کاره اند. (مأمناً له مقام معلوم" صافات/ ۱۶۴")

۷- فرشتگان مغلوب . مقهور نمی شوند زیرا به فرمان و خواست خدا کار می کنند.

مقامات ملائکه در آیات قرآن نام ببرید:

پاسخ:

ملائکه کثیرند لیکن خداوند متعال در قرآن اصناف آنها را باشغل و عمل معرفی می کند.

۱- مرتبه اولی – ملائکه مقربین اند در نزد خداوند سبحان.

۲- مرتبه دوم حمله عرش اند.

۳- مرتبه سوم حافین حول العرش اند.

۴- مرتبه چهارم ، ملائکه سمواتند در امر آسمانها.

۵- مرتبه پنجم، ملائکه عناصرند که انجام وظیفه می کنند.

۶- مرتبه ششم ،ملائکه موکل مر کبانند از معادن و نبات و حیوانات.

۷- مرتبه هفتم، ملائکه حفظ بنی نوع انسان" إِنَّ عَلَیْكُمْ لِحَافِظِیْنَ"

۸- مرتبه هشتم، ملائکه نویسنده اعمال خوب و بد"سببند ملکه بر هر انسان برای حفاظت او"

۹- مرتبه نهم، ملائکه بهشت ، برای بردن انسانهای پاک به بهشت.

۱۰- مرتبه دهم ، ملائکه قبض روح .

۱۱- مرتبه یازدهم، ملائکه سبقت گیرنده بسوی بهشت با ارواح مؤمنین ، قبل از آنکه روح کافر به آتش برسد.

۱۲- مرتبه دوازدهم، ملائکه قبض روح مؤمن (ارواح مؤمن را به سهولت و رفق و مدارا برمی کنند)– و ملائکه قبض روح کافر(ارواح کفار را از بدنهایشان با شدت بر می کنند).

ادامه دعا:

وَإِسْرَافِیلُ صَاحِبُ الصُّورِ، الشَّاخِصُ الَّذِی یَنْتَظِرُ مِنْكَ الْإِذْنَ، وَ حُلُولَ الْأَمْرِ، فَيَنْبِئُهُ بِالنَّفْخَةِ صَرَعی رَهَائِنِ الْقُبُورِ. وَ مِیكَائِیلُ ذُو الْجَاهِ عِنْدَكَ، وَ الْمَكَانِ الرَّفِیعِ مِنْ طَاعَتِكَ. وَ جِبْرِیلُ الْأَمِینُ عَلَی وَحِیِّكَ، الْمَطَّاعُ فِی أَهْلِ سَمَآوَاتِكَ، الْمَكِیْنُ لَدَیْكَ، الْمُقَرَّبُ عِنْدَكَ وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ عَلَی مَلَائِكَةِ الْحُجُبِ. وَ الرُّوحُ الَّذِی هُوَ مِنْ أَمْرِكَ، فَصَلِّ عَلَیْهِمْ، وَ عَلَی الْمَلَائِكَةِ الَّذِیْنَ مِنْ دُونِهِمْ مِنْ سُكَّانِ سَمَآوَاتِكَ، وَ أَهْلِ الْأَمَانَةِ عَلَی رِسَالَاتِكَ وَ الَّذِیْنَ لَا تَدْخُلُهُمْ سَأْمَةٌ مِنْ دُعُوبِی، وَ لَا إِعْيَاءٌ مِنْ لُغُوبِی وَ لَا فُتُورٌ، وَ لَا تَشْغَلُهُمْ عَن تَسْبِیحِكَ الشَّهَوَاتُ، وَ لَا یَفْطَعُهُمْ عَن تَعْظِیمِكَ سَهُوَ الْعَفَلَاتِ. الْخُسْعُ الْأَبْصَارِ فَلَا یَرُومُونَ النَّظَرَ إِلَیْكَ، النَّوَكِسُ الْأَدْفَانِ، الَّذِیْنَ قَدْ طَالَتْ رَغْبَتُهُمْ فِیْمَا لَدَیْكَ، الْمُسْتَهْتَرُونَ بِذِكْرِ الْآئِیْكَ، وَ الْمُتَوَاضِعُونَ

دُونَ عَظَمَتِكَ وَ جَلَالِ كِبْرِيَانِكَ وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ تَزْفِرُ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ. فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَ عَلَىٰ الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الزَّلْفَةِ عِنْدَكَ، وَ حُمَالِ الْعَيْبِ إِلَىٰ رُسُلِكَ، وَ الْمُؤْتَمِنِينَ عَلَىٰ وَحْيِكَ وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَ أَسَكَنْتَهُمْ بُطُونِ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ. وَ الَّذِينَ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا إِذَا نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامِ وَعْدِكَ وَ خُزَّانِ الْمَطَرِ وَ زَوَاجِرِ السَّحَابِ وَ الَّذِي بِصَوْتِ زَجْرِهِ يُسْمَعُ زَجْلُ الرُّعُودِ، وَ إِذَا سَبَحْتَ بِهِ حَفِيفَةَ السَّحَابِ التَّمَعْتَ صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ. وَ مُشِيعِي التَّلْجِ وَ الْبَرْدِ، وَ الْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ، وَ النُّفُومَ عَلَىٰ خَزَائِنِ الرِّيَّاحِ، وَ الْمُؤَكَّلِينَ بِالْجِبَالِ فَلَا تَزُولُ وَ الَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَنَاقِلَ الْمِيَاهِ، وَ كَيْلَ مَا تَحْوِيهِ لَوَاعِجِ الْأَمْطَارِ وَ عَوَالِجِهَا وَ رُسُلِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِلَىٰ أَهْلِ الْأَرْضِ بِمَكْرُوهِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الْبَلَاءِ وَ مَحْبُوبِ الرِّخَاءِ وَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَ الْحَفَظَةِ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَ مَلَكِ الْمَوْتِ وَ أَعْوَانِهِ، وَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ، وَ رُومَانَ قَتَانَ الْقُبُورِ، وَ الطَّائِفِينَ بِالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَ مَالِكِ، وَ الْخَزَنَةَ، وَ رِضْوَانَ، وَ سِدْنَةَ الْجَنَانِ. وَ الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ، وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ وَ الزَّبَانِيَةَ الَّذِينَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ خُذُوهُ فَغُلُّوه ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوه ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا، وَ لَمْ يُنْظَرُوهُ. وَ مَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ، وَ لَمْ نَعْلَمْ مَكَانَهُ مِنْكَ، وَ بَأَىٰ أَمْرٍ وَكَلْتُهُ. وَ سُكَّانِ الْهَوَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ الْمَاءِ وَ مَنْ مِنْهُمْ عَلَىٰ الْخَلْقِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ يَوْمَ يَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَاةً تَزِيدُهُمْ كِرَامَةً عَلَىٰ كِرَامَتِهِمْ وَ طَهَارَةً عَلَىٰ طَهَارَتِهِمْ اللَّهُمَّ وَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَىٰ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ وَ بَلَّغْتَهُمْ صَلَاتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْنَا بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِمْ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

و درود فرست بر اسرافیل، آن فرشته‌ی صاحب «صور» که چشم به راه فرمان تو، منتظر است تا با یک دمیدن، مردگان خفته در گورها را بیدار کند.

و درود فرست بر میکائیل که در پیشگاه تو والا مقام، و در فرمانبرداریات بلند مرتبه است.

و درود فرست بر جبرائیل که امانتدار وحی توست، و ساکنان آسمان فرمانبردار اویند، و نزد تو ارجمند و از مقریان درگاه است.

و درود فرست بر روح، آن که بر فرشتگان مأمور «حجاب‌ها» گماشته شده است.

و درود فرست بر آن فرشته که جز تو کسی بر اسرار وی آگاه نیست. بر همه‌ی ایشان و فرشتگانی که فروتر از آنهایند، درود فرست؛ فرشتگانی که ساکن آسمان‌ها و امانتدار پیغام‌های توآند.

فرشتگانی که از کار خسته نمی‌شوند تا از آن دلزده شوند، و سختی نمی‌کشند تا درمانده و سست گردند، و خواهش‌های دل، آنان را از تسبیح تو باز نمی‌دارد، و فراموشی که نتیجه‌ی غفلت‌هاست، از بزرگداشت تو دورشان نمی‌سازد.

فرشتگانی که از فروتنی دیده بر هم نهاده‌اند و چشم آن ندارند که تو را نگرند؛ سر به زیر افکنده‌اند و شوقشان به آنچه نزد توست بسیار است؛ شیفته‌ی آن‌اند که نعمت‌های تو را به یاد آورند؛ و ایشان در برابر بزرگی و بزرگواریات فروتن باشند.

چون به آتش دوزخ بنگرند که چگونه گناهکاران را به کام خود فرو می‌برد، گویند: پروردگارا، تو پاک و منزهی، و ما تو را آن گونه که شایسته‌ی توست، پرستش نکرده‌ایم.

خدایا، اینک بر ایشان درود فرست. همچنین بر فرشتگان رحمت خود، و بر آنان که مقرّب درگاه توآند، و بر آنها که پیامبران تو را از غیب آگاه کنند، و بر امانتداران وحی خود.

و درود فرست بر آن گروه از فرشتگان که ایشان را ویژه‌ی خود ساخته‌ای، و به سبب تقدیس خود، از خوردن و آشامیدن بی‌نیازشان کرده‌ای، و در میان طبقه‌های گوناگون آسمان جایشان داده‌ای.

و درود فرست بر آن فرشتگان که وقتی فرمان تمام شدن وعده‌ی خداوند فرا رسد، بر کناره‌های آسمان‌ها [گوش به فرمان] قرار گیرند.

و بر آنان که خزانه‌دار باران و روان کنندگان ابرهایند.

و بر آن فرشته که چون ابرها را براند، بانگ تندرهای به گوش رسد، و چون ابرها به تازیانه‌ی او به راه افتند،

آدرخش‌ها بدرخشند.

و بر آن فرشتگان که برف و تگرگ را همراهی می‌کنند و با دانه‌های باران به زمین می‌آیند، و آنان که نگهبان خزانه‌های بادند، و کسانی که مراقب کوه‌هایند تا فرو نریزند.

و درود فرست بر فرشتگانی که وزن آب‌ها و پیمان‌های باران‌های بسیار و پی در پی را به ایشان آموخته‌ای.

و بر فرشتگانی که آنان را با بلایی ناگوار یا نعمتی گوارا به سوی ساکنان زمین می‌فرستی.

و آن سفیرانِ گران‌قدرِ نیکوکار، و آن بزرگوارانی که نگهبان و نویسنده‌ی [کارهای ما] هستند. و درود فرست بر فرشته‌ی مرگ و یارانش، و منکر و نکیر، و «رومان» که ساکنان گورها را می‌آزماید، و آن فرشتگان که گرد «بیت المعمور» طواف می‌کنند، و بر «مالک» و نگهبانانِ دوزخ، و بر «رضوان» و خدمتگزارانِ بهشت.

و درود فرست بر فرشتگانی که «از فرمان خدا سر نمی‌پیچند، و به آنچه فرمان داده شوند، عمل می‌کنند.»

و آنان که به اهل بهشت می‌گویند: «سلام بر شما که شکیبایی ورزیدید. دنیا چه سرانجام نیکویی دارد.»

و درود فرست بر فرشتگانِ «زبانی» که چون فرمان‌شان رسد که «بگیرید آن گنهکار را و به زنجیرش کشید و در دوزخ افکنید»، شتاب کنند و بی‌درنگ او را در آتش اندازند.

و بر فرشتگانی که نامشان را نیاوردیم و مرتبه‌ی ایشان را نزد تو نشناختیم و ندانستیم آنان را به چه کاری گماشته‌ای.

و بر فرشتگانِ ساکنِ هوا و زمین و آب، و آنان که کار آفریدگان تو را سامان می‌دهند و پیوسته نگهبان و همراه ایشان‌اند.

خدایا، بر آنان درود فرست در آن روز که هر کس با دو فرشته به محشر می‌آید: یکی می‌کشاندش و دیگری بر کارهای او گواهی می‌دهد.

بر آنان درود فرست؛ چنان درودی که بر کرامت و پاکی‌شان کرامت و پاکی دیگر افزاید.

خدایا، چون بر فرشتگان و فرستادگانت درود فرستادی - و درود ما را به ایشان رساندی، بدان سبب که سخنانِ نیکو درباره‌ی آنان بر زبان ما جاری کردی - بر ما نیز درود و رحمت فرست، که تو بخشنده‌ی بزرگواری.

انواع فرشتگان مقرب را تعریف نمایید؟ چهار فرشته مأمور تدبیر امر دنیا را نام ببرید؟

پاسخ:

جبرئیل - میکائیل - اسرافیل - عزرائیل -

معرفی و نقش جبرئیل از حاملان عرش چگونه است؟

پاسخ:

جبرئیل یکی از چهار فرشته مقرب است که وظیفه اش ابلاغ وحی به پیامبران بوده. به او روح الامین و هاتف نیز می‌گویند.

در مجمع البیان طبرسی آمده: جبرئیل و میکائیل هر دو عجمی اند که معرب شده اند. جبر = در لغت سریانی بمعنی بنده خدا و ایل به معنی خدا و میک بنده کوچک است. معنای جبرائیل: بنده خدا و معنی میکائیل بنده کوچک خدا. (فرهنگ - قاموس قران) - در المنار آمده: اسم عجمی است مرکب از جبر که معنای آن در عربی یا سریانی: قوه است و "ایل" که معنی اش إله است، یعنی قوه خدا.

جبرئیل لفظ هائی دیگری دارد مانند فرشته وحی، امین وحی، عقل اول، ناموس اکبر، روح اعظم؛ و حافظ در شعر خود او را "سروش" نامیده است.

نام جبرئیل در تورات و انجیل آمده. در کتاب دانیال باب هشتم عدد ۱۶ از زبان دانیال گفته: آواز شنیدم که ندا کرد و می‌گفت: ای جبرئیل این مرد را از معنی این رؤیا مطلع ساز - در انجیل متی باب اول عدد ۱۹ و ۲۶ - آمده که جبرئیل بحضرت زکریا مژده یحیی و به مریم مژده عیسی را داد.

در تاریخ یهودیت - مسیحیت - اسلام از نقش جبرئیل بسیار گفته شده است: "جبرئیل ، ابراهیم را از آتش نجات داد . موسی را در مبارزه با فرعون حمایت کرد. فرعونیان را در رود نیل غرق کرد. به داوود ساختن زره را آموخت. به دانیال نبی تعبیر رویا را آموخت. زکریا را به یحیی و مریم را به عیسی مژده داد. قرآن را بر محمد نازل کرد. ظهورش برای حضرت رسول(ص) یا بصورت واقعی خود یا بصورت دحیه کلبی (صحابه ای که در مدینه اسلام آورد و بسیار زیبا بود. او در جنگ بدر و احد حاضر بود و این صحابی همان است که نامه پیامبر(ص) را بسوی هراکلیوس ، قیصر روم برد و بر او عرض داشت . هراکلیوس آنرا پذیرفت و تمایل خود را به دین شریف اسلام نشان داد). همسر پیامبر در شب معراج بود. در منتهای معراج در سدره المنتهی باز ماند و به حضرت محمد(ص) گفت: دیگر اجازه ندارد که پیش برود و محمد (ص) به تنهایی معراج را ادامه داد.

در بعضی از روایات ، جبرئیل ۵۰ بار بر ابراهیم(ع) و چهارصد بار بر موسی (ع) و ده بار بر عیسی(ع) و ۲۴ هزار بار بر حضرت محمد (ص) نازل شد. در حدیث در تعداد بالهای ایشان می نویسد : مردی که ۴ بال و یا ششصد بال مرصع به درداشت.

در باره جبرئیل می نویسند "او صاحب اسبی بود به نام حیزوم ؛ اسبی از اسبهای فرشتگان که جبرئیل بر آن سوار می شد و در هر جا که سم وی قرار می گرفت سبزه در می آورد.

قُلْ تَلَىٰ مِنْ كَسَبَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لَجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ (۹۷/بقره)
سَيِّئَةٍ وَ أَحَاطَتْ بِهِ حَاطِبُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ(بقره/۸۱)

آیه فوق در بیان حال یهود است که جبرئیل را دشمن می داشتند و می گفتند: چون آورنده وحی جبرئیل است لذا حاضر بقبول اسلام نیستم. آنها در باره علت عداوتشان گفته اند : او (جبرئیل) جنگ و سختی و غیره برای ما می آورد. در بعضی از آیات بجای جبرئیل، روح القدس، یا روح الامین است <قل نزله روح القدس؛ نمل/۱۰۲> نزل به الروح الامین؛ "شعراء ۱۹۳< جبرئیل صاحب مکانت و علو مقام است" "إنه لقول رسول كريم (تکویر ۱۹-)(ولقد رآه بالأفق .. المبین -۲۳/تکویر)

در سوره تحریم آیه چهار، جبرئیل حامی حضرت رسول است و این حمایت بخاطر آوردن وحی و مطلع ساختن آن حضرت از حيله زانانش است.

(ان تتوبا الى الله فقد صغت قلوبكما و ان تظاهرا عليه فان الله هو موليه وجبريل و صالح المؤمنين و الملائكة بعد ذلك ظهير):

و شما دو زن اگر به سوی خدا توبه کنید امید است که خدا دلهایتان را از انحراف به استقامت برگرداند، چون دلهای شما منحرف گشته و اگر همچنان بر علیه پیامبر یکدیگر را پشتیبانی و مساعدت کنید، پس همانا خداوند مولای اوست و جبرئیل و صالح مؤمنان و ملائکه هم بعد از آنها پشتیبان او هستند(خطاب با حفصه و عایشه دو همسر از همسران رسول خدا ص است ، می فرماید: اگر شما دو نفر با توبه بسوی خدا باز گردید که هیچ ، ولی اگر بر علیه پیامبر ص دست به دست هم بدهید، بدانید که خدا مولا و سرپرست اوست و امر او را بدست گرفته و او رایاری می کند و نیز جبرئیل و صالح المؤمنین مولا و ناصر او خواهند بود و ملائکه هم بعد از ایشان او را پشتیبانی می کنند، و همه آنها در یاری او متحد و متفق هستند و مراد از صالح المؤمنین مطابق روایات عدیده از طریق اهل سنت و شیعه ، فقط حضرت علی ع است . در حقیقت می خواهد به آن دو زن بفهماند که دلهایتان در اثر عملی که کرده اید بسوی باطل منحرف شده و با رازگشایی و اذیت پیامبر ص مرتکب گناه کبیره شده اید، چون آزار پیامبر و توطئه و تعاون بر علیه او از گناهان کبیره است ، همچنانکه فرمود: (ان الذین يؤذون الله و رسوله لعنهم الله فی الدنيا و الآخرة و اعد لهم عذابا مهینا(۹۵) بدرستی که کسانی که خدا و رسول او را اذیت کنند، خدا آنها را در دنیا و آخرت لعنت کرده و عذابی خوار کننده برایشان مهیا کرده است.

وحی رسالی (وحی به معنای اخص) از کمالات نبوت است؛ ولی هرگونه نزول و سخن گفتن فرشته وحی، به آن معنا نیست و غیر از ائمه(ع) نیز قرآن مواردی را یاد می کند که کسانی مانند همسر زکریا فرشتگان را دیده و سخنشان را شنیده اند. قرآن در این باره می فرماید که چون همسر زکریا سخن فرشته را در مورد بشارت فرزند (اسحاق و یعقوب) شنید، خندید و گفت: وای بر من، آیا در این پیر زالی می زایم و این شوهر من نیز پیر است؟ این چیز عجیبی

است»، (هود، آیه ۷۱)

این آیه به خوبی نشانگر آن است که غیر از پیامبران نیز ممکن است کسانی فرشته را ببینند یا کلام او را بشنوند. در روایات متعددی است که فرشتگان در موارد خاصی از جمله هر هفته و در شب قدر، بر امام زمان (عج) نازل می شوند. بنابراین وحی به معنای عامتری که شامل نزول و مکالمه فرشته (با رؤیت یا بدون رؤیت) باشد اختصاص به پیامبر ندارد؛ ولی وحی پیامبرانه - که در آن انگیزه اش و بعثت اش و ارائه اش شریعت الهی است - مخصوص پیامبران است.

آیا جبرئیل بر ائمه (ع) وارد می شد؟

وحی به امامان (ع):

براساس روایات، امامان دست آموز الهام غیبی اند. آنان صدای غیب را می شنوند اما فرشته را نمی بینند، به خلاف پیامبر که سخن فرشته را می شنود و گاه خود ملک را می بیند، نه این که تنها صدا را بشنود. (اصول کافی ۷۰۵-۷۰۶-۴۳۵)

این الهام نظیر الهامی است که به حضرت خضر و ذوالقرنین و حضرت مریم و مادر موسی (ع) شده است (کهف / ۶۵ - ۹۸ ؛ آل عمران / ۴۲ ؛ طه / ۳۸ ؛ قصص / ۷)

حضرت رضا (ع) در ضمن حدیث مفصلی درباره امامت فرمود: هنگامی که خدای متعال کسی را به عنوان امام برای مردم برمی گزیند به او سعه صدر، عطا می کند و چشمه های حکمت را در دلش قرار می دهد و علم را به وی الهام می کند تا برای جواب از هیچ سوالی در نماند و در تشخیص حق سرگردان نشود، پس او معصوم و مورد تأیید و توفیق و تسدید الهی بوده از خطاها و لغزش ها در امان خواهد بود (، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۸ - ۲۰۳)

از حسن بن یحیی مدائنی نقل شده که از امام صادق (ع) پرسیدم: هنگامی که سوالی از امام می شود چگونه و با چه علمی....، جواب می دهد؟ فرمود: گاهی به او الهام می شود و گاهی از فرشته می شنود و گاهی هر دو (بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۵۸)

حسین بن ابی العلاء گوید: امام صادق (ع) دستش را به متکاهائی که در خانه بود زد و فرمود: ای حسین! اینها متکاهایی است که فرشتگان بارها بر آن تکیه داده اند و ما گاهی پره های کوچک شان را از زمین بر چیده ایم. (اصول کافی - کتاب الحجة) و در روایات دیگر از ائمه (ع) در اصول کافی آورده شده است؛ که امام سجاد (ع) وقتی وارد اتاقش شد حضرت شروع کردند از زمین چیزهایی را بردارند ابو حمزه ثمالی گفت: قربانت، چیست که می بینم برمی چینی؟ فرمودند: زیادیهایی از پر فرشتگانست که چون از نزد ما می روند آنها را جمع می کنیم و تسبیح برای بازوبندهای فرزندان خود می کنیم. او عرض کرد؛ قربانت، فرشتگان نزد شما می آیند؟ فرمود: ای ابو حمزه؛ آنها روی متکاها جا را بر ما تنگ می کنند. (اصول کافی- کتاب الحجة)

ذوالقرنین کیست؟ حضرت علی (ع) در پاسخ به ابن الکوا بر روی منبر خود فرمودند: ذوالقرنین نه پیامبر بود و نه پادشاه و دو گوشه سرش نه از طلا بود و نه از نقره ولی بنده ای بود که خدا را دوست داشت پس خداوند نیز او را دوست داشت. او برای خدا خیر می خواست. خداوند نیز برای او خیر می خواست و به جهت این خیرخواهی او ذوالقرنین نامیده شد. ولی قوم او بر گوشه جلو سرش از دو نقطه صدمه زدند و آنرا شکستند - (شیخ صدوق (ره) - علل الشرایع)

حضرت خضر کیست؟

خضر (ع) از اولاد سام بن نوح است و پسر خاله ذوالقرنین می باشد نامش بلیا کنیه اش ابوالعباس و لقبش خضر است. ولادت او در ۳۴۵۸ بعد از هبوط آدم است. در احادیث معتبر است که حضرت خضر به استقبال جنازه حضرت علی (ع) آمد و حسنین (ع) را تسلیت گفت و آنها را به قبر ساخته نوح راهنمایی کرد. منزل خضر بیشتر مسجد صعصعه و مسجد سهله است. سید بن طاووس روایت کرده که خضر و الیاس همه ساله موسم حج در مکه یکدیگر را ملاقات می کنند و از آنجا جدا می شوند تا سال آینده باز بهم می رسند.

حضرت خضر در زمان موسی همراه او بود تا به او علوم بسیاری بیاموزد. " در روایات آمده که اسم آن عالم همراه موسی (ع) خضر بوده که خداوند او را طول عمر داده و تا امروز هم زنده است و این مقدار از مطالب در باره خضر عیبی ندارد و قابل قبول است زیرا عقل و یا دلیل نقل قطعی بر خلافتش نیست. ولی گاهی بعضی از شخصیت‌های اسلامی او را دیده اند". (علامه طباطبائی (ره) - تفسیر المیزان - سوره کهف)

در روایتی از امام صادق(ع) چنین بر می آید که آنجناب پیغمبری مرسل بوده که خدا بسوی قومش مبعوثش فرموده بود و او مردم خود را بسوی توحید و اقرار به انبیاء و فرستادگان خدا و کتابهای او دعوت می کرده و معجزه اش این بوده که روی هیچ چوب خشکی نمی نشست مگر آنکه سبز می شد و بر هیچ زمین بی علفی نمی نشست مگر آنکه سبز و خرم می گشت و اگر او را خضر نامیدند بهمین جهت بود که این کلمه با اختلاف مختصری در حرکاتش در عربی به معنای سبزی است و گرنه اسم اصلیش تالی بن ملک بن عابر بن افششدین سام ابن نوح است. در ثرالمثور از ابن عباس از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: خضر را بدین جهت خضر نامیدند که وقتی روی پوستی سفید رنگ نماز می گذارد، همان پوست هم سبز شد. در بعضی روایت از صادقین(ع) آمده: که خضر و ذوالقرنین دومرد عالم بودند نه پیغمبر. و اخبار از ائمه(ع) بر می آید که او تا کنون زنده است و هنوز از دنیا نرفته و این از قدرت خداوند تعالی است که بعضی از بندگان خود را عمری طولانی دهد. برهان عقلی هم این موضوع را محال نمی داند و به همین جهت نمی توانیم انکارش کنیم (ر.ک. همان) ولی بعضی روایت ها صحیح نیست، تأمل فرمایید.

میکائیل کیست و چکار می کند ؟

پاسخ:

دومین فرشته مقرب الهی؛ میکائیل واسطه گشایش و آسانی است. میکائیل نزد خداوند تعالی دارای مقامی بلند است. ولی شغل او معلوم نیست. در ریاض السالکین فرموده: روایت شده که میکائیل به ارزاق و حکمة و معرفت نفوس مأمور است و او را اعوانی است از ملائکه که بر همه عالم موکل اند. (ایل = خدا) (میک = بنده کوچک) پس جبرئیل یعنی بنده خدا - میکائیل یعنی بنده کوچک خدا. گاهی می گویند او امر باران و گیاهان را بر عهده دارد.

نام میکائیل در تورات و انجیل (یوحنا) آمده - اگر بگویید میکائیل رئیس ملائکه است درست نیست. گاهی او با دیگر فرشتگان مقرب همکاری می کند. خداوند تبارک و تعالی به چهار فرشته دستور داد که قوم لوط را هلاک کنند (جبرئیل - میکائیل - اسرافیل - کروبیل)

پیامبر(ص) فرمودند:

میکائیل صاحب هر قطره بارانی است که می بارد و هر برگ درختی که رشد می کند و هر برگی که فرو می افتد.

... **أَمَّا مِيكَائِيلُ فَصَاحِبُ كُلِّ قَطْرَةٍ تَسْقُطُ وَ كُلِّ وَرْقَةٍ تَنْبُثُ وَ كُلِّ وَرْقَةٍ تَسْقُطُ ...** :

میکائیل(ع) رتبه و جایگاه والایی دارد. اقرار به میکائیل از جمله ضروریات های اسلامی است که انکار آن سبب خروج از اسلام و ارتداد می شود. بدین ترتیب، در روایت ها از ایشان با عبارت هایی مانند «اکرم الخلق علی الله» با کرامت ترین خلایق نزد خداوند متعال؛ «خیره الله» برگزیده خداوند یا «صفوة الله من الملائکه» برگزیده ملائک، یاد شده است. خداوند سبحان نیز از او با تعبیر «میکال» نام می برد: «من کان عدوا لله و ملائکته و رسله و جبرئیل و میکال فان الله عدو للكافرين؛ کسی که دشمن خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل باشد، [کافر است] و خداوند دشمن کافران است (بقره، ۹۸)

با در نظر گرفتن عبرانی بودن پسوند ایل، معنای واژه جبرئیل، عبدالله و میکائیل معادل عبدالله گفته شده است که البته مرحوم طبرسی این نظر را رد کرده و این دو را واژگان عجمی وارد شده به عربی دانسته است. در برخی منابع، نام

میکائیل را «عبدالرزاق» و کنیه اش را «ابوالغنائم» نوشته اند.

حضرت امام جعفر صادق(ع) در توصیف عظمت خلقت میکائیل(ع) فرمود: «هرگاه میکائیل بخواهد به زمین بیاید یک پای او در آسمان هفتم قرار می گیرد و پای دیگرش بر زمین هفتم». مرحوم مجلسی نیز می نویسد: «میکائیل رئیس ملائکی است که با ارزاق مردم نسبت پیدا می کنند، مانند ملائکه ابرها، رعد و برق ها، بادهای باران ها، ...». بنابراین آنچه در برخی منابع آمده، ماموریت کشیدن صراط بر روی جهنم، بر عهده میکائیل نهاده شده است.

در بخشی از این اثر آمده است میکائیل(ع) یکی از فرشتگان چهارگانه مقرب خداست که در طول تاریخ حیات بشر، نقش های مهمی بر عهده داشته است و تا زمان ظهور امام عصر(عج) نیز ادامه خواهد داشت. هرچند برخی از ماموریت های همیشگی میکائیل(ع) در عالم خلقت، با موضوع حیات بشری و روزی او ارتباط پیدا می کند، ولی در منابع متقدم، این دیدگاه که او را ملک رزق بدانیم، از منابع متأخر کم رنگ تر است در واقع باید او را ملکی بدانیم که مامور اجرای مهم ترین دستورهای پروردگار است. بنابراین، از آنجا که این ماموریت های مهم، در طول تاریخ مصداق های مختلفی پیدا می کند، باور به میکائیل(ع)، با فعالیت برای کسب روزی هیچ منافاتی نخواهد یافت.

وایضاً "شرح صدر" پیامبر(ص) به مدد جبرائیل و میکائیل انجام گرفته است. بنابر احادیث اسلامی جبرائیل و میکائیل اولین فرشتگانی هستند که به ادم سجده کردن و بر خلاف ایشان، ابلیس از تعظیم و سجده خودداری نموده است. یهود و مسیحیان میکال یا میکائیل را میشل می نامند. (بهاء الدین خرمشاهی- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی)

اسرافیل کیست و چکار می کند؟

واژه اسرافیل از "اسراف" و یا "سراف" به معنی بنده و "ایل" به معنی خداوند.

در قرآن نام اسرافیل نیامده و فقط در روایات آمده است. در قرآن از نفخه صور سخن به میان آمده است، ولی از نام دمنده سخنی به میان نیآورده است. او دارای دوفخه صور است با نفخ صور اولی تمام موجودات عالم می میرند و جهان به پایان می رسد؛ و با نفخ صور دوم موجب زنده شدن و بر خاستن مردگان در آخرت می شود.

اسرافیل یا رافائیل نام فرشته ای بلند مرتبه است که در اسلام و دین یهود از او نام برده شده است، و بیشترین شهرت او نفخه صور در هنگام بر پایی رجعت یا قیامت است.

بیشترین شهرت اسرافیل به خاطر شیپور اوست که همیشه آن را بر لب دارد و قرار است در روز رستاخیز با دمیدن در آن مردگان را زنده کند. به شیپور اسرافیل اصطلاحاً «صور اسرافیل» گفته می شود.

عزرائیل کیست و چکار می کند؟

پاسخ:

مؤکل قبض روح؛ قابض ارواح. نام عزرائیل در قرآن نیامده است. ولی در آیه ذیل بصورت "ملک الموت" آمده است.

در قرآن کریم گاهی قبض روح به ملائکه استناد شده و گاهی به ملک الموت و گاهی بخداوند عزوجل (سجده ۱۱) قُلْ يَتُوفَاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ. (ملک الموت، تفسیر مجمع البیان ج ۴/۳۲۸- تفسیر ابوالفتوح، ج ۱۰/۳۱۵))

توفی = قبض کامل یعنی تمام روح. فرشته مرگی که بر شما گمارده شده است روح شما را بطور کامل از بدنتان می گیرد.

و یا در آیه دیگر "...حتیٰ اذا جاء احدکم الموت توفته رُسُلنا و هم لا یقرطون - (انعام/۶۱) وقتی که مرگ یکی از شما فرا رسد فرستادگان ما جاننش را می گیرند و آنها هرگز کوتاهی نمی کنند.

"الله یتوفی الانفس حین موتها" (زمر / ۴۲) خداست که ارواح مردم را هنگام مرگشان بطور کامل می گیرد.

آنچه ملائکه انجام می دهند بدستور الهی در واقع فعل الهی است ، اوست که عملی را انجام می دهد و تنها ملائک مجریان اوامر الهی هستند. زمانیکه عزرائیل قبض روح می کند و یا سایر ملائکه زیر دست وی قبض ارواح می نماید در واقع خود خداوند است که قبض روح می نماید و جانها را از کالبد خارج می کند چون آنها همه قدرت خود را از خداوند گرفته اند و این نظر بعضی از مفسرین است. امام صادق (ع) می فرماید: قبض روح را فقط ملک الموت و ملائکه زیر دست وی انجام می دهند.

کیفیت قبض روح را تعریف نمایید؟

مجردات چون مکان و زمان ندارند در آن واحد می توانند در مکانهای مختلف حاضر شوند و افعال مختلف انجام دهند. امام صادق از ملک الموت سؤال کرد؛ چگونه قبض روح می کنی در حالیکه بعضی در مغرب و بعضی در مشرق اند در آن واحد؟

گفتند: آنها را می خوانیم و آنان اجابت می کنند.

وسپس افزود: دنیا نزد من مانند ظرفی در مقابل یکی از شماست که از هر جای آن خواست می خورد و مانند درهمی در دست یکی از شما که آنرا می گرداند و زیر و رو می کند. (من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۳۴)

حضرت رسول (ص) در شب معراج فرشته ای را دید که ترش روی و سهمگین بود، و هیچ لبخندی نمی زد ، و لوحی در برابر داشت. از جبرئیل نام او را پرسید جبرئیل گفت : این ملک الموت است و ملک الموت در پاسخ به حضرت که در باره لوح جويا شد ، گفت: این لوحی است که نام کسانی را که در این سال خواهند مرد بر آن نوشته اند ، و من مأمورم که، چون هنگام مرگ هر کس فرا رسید ، در حال جاننش را بگیرم. (دایرة المعارف فارسی ج ۲/۱۷۳۲) (بحار الانوار ج ۲۴۹/۵۹، ۱۶۵/۶)

محبان علی (ع) و مؤمنین چه جایگاهی هنگام مرگ نزد خدا دارند؟

پاسخ:

امام صادق (ع) (بحار الانوار ج ۶ ص ۱۷۹) می فرماید:

حرام است به روحی که جسدش را وداع گوید مگر اینکه ۵ تن را (محمد و علی و فاطمه و حسن و حسن صلوات الله علیهم) ببیند بطوری که چشمانش به دیدار آنها سرد و خنگ می شود و یا حرارت پیدا می کند و گرم می شود.

شخصی از امام صادق (ع) پرسید ؛ آیا ممکن است مؤمن از قبض روحش ناراحت شود؟

حضرت فرمود: نه بخدا سوگند ، وقتی فرشته مرگ برای قبض روحش می آید اظهار ناراحتی می کند ، فرشته مرگ می گوید: ای ولی خدا ناراحت نباش سوگند به کسی که محمد (ص) را مبعوث کرد من به تو از پدر مهربان ، مهربانترم . چشمهیت را بگشا و ببین ، که فرد محتضر رسول خدا و علی و فاطمه و حسنین صلوات الله علیهم و امامان از ذریه او را می بیند.

شش صورت با مؤمن وارد قبر می شوند، روایت در این مورد را بگویید؟

پاسخ:

ابوبصیر از شاگردان امام صادق (ع) و امام باقر (ع) است نقل می کند: اذا مات العبد المؤمن دخل معه فی قبره ستة صور تا پایان حدیث!

وقتی بنده مؤمن می میرد و وارد برزخ و قبر می شود شش چهره نورانی با او وارد برزخ و قبر می شوند؛ در بین این شش صورت یکی از همه نورانی تر و پر بهاتر و بشاشتر و زیباتر است، یکی از آنها طرف راست این شخص در قبر قرار می گیرد یکی در طرف چپ او ، یکی روبروی او یکی پشت سر او ، یکی نزدیک پاهای او ، آنکه از همه

نورانی تر است بالای سر او می ایستد؛ این شخص که با این وضع در برزخ و قبر آرמיד، این شش صورت در برابر هر حادثه ای و مشکلی که بخواهد به او آسیب برساند از هر طرف از وی حمایت می کنند: آنکه طرف راست این بنده مؤمن قرار دارد می گوید: من نمازم. معلوم می شود نماز احکامی دارد و اداب و سر و باطن، باطن نماز یا حقیقت نماز یعنی همین صورت نورانی که در قبر طرف راست عبد مؤمن قرار می گیرد و از او شفاعت می کند. صورت طرف چپ می گوید: من زکات او هستم! زکات تنها مربوط به مال نیست بلکه هر نعمتی که خداوند به انسان داده، انسان موظف است که زکات آن نعمت را بپردازد. در روایات غررالحکم آمده " زکات العلم التعلیم. - زکوة المال الانفاق - زکوة الجمال، العفاف، زکوة الشجاعة الجهاد فی سبیل الله.

آن صورت نورانی که روی او ایستاده می گوید: من روزه او هستم. و آن صورت نورانی که پشت سر او است و نمی گذارد از پشت به او آسیب برسد، می گوید: من حج و عمره او هستم (حج و عمره مقبول- در روایات است که شخصی خدمت امام سجاد(ع) رسید عرض کرد، حاجی ها زیادند ولی ضجه کم است: حضرت فرمودند: حاجی ها کم اند ولی ضجه زیاد است. آنگاه باطن حاجیها را نشان دادند و آن شخص دید سرزمین وسیع عرفات پر از حیوانات است و در بین آنها چند نفر معدودی انسان است • یحشر الناس علی نیاتهم (تفسیر در المنثور - سیوطی ج ۶ ص ۳۰۷).

اما آن نوری که پایین پای او است نیکی های او است که در حق مردم روا داشته است. آنگاه که این پنج نفر خود را معرفی کردند از آنکه بالای سر این مؤمن ایستاده سؤال می کنند، تو کیستی که از همه نورانی تری؟ می گوید من ولایت خاندان پیغمبرم، محبت علی و اولاد علی. (علیهم السلام)

رومان فتان را تعریف کنید:

وقتی میت در قبر گذاشته می شود و همه می روند ملکی ظاهر می شود به نام «رومان» یا «فتان القبور» بعضی هم اسم او را «رومان فتان» گفته اند. به هر حال این ملک قبل از نکیر و منکر در نزد میت حاضر می شود و کارش این است که ببیند اعمال میت چه صورت و وضعیتی دارد آیا از اهل سعادت است یا شقاوت. عبدالله بن سلام می گوید: از رسول خدا (ص) در مورد رومان سوال کردم فرمود: او ملکی است قبل از نکیر و منکر وارد می شود و به میت می گوید: تمام کارها و اعمالی که در دنیا انجام داده ای را بشمار. او می گوید: من یادم نیست. رومان می گوید: من یادم است می گویم تو بنویس. می گوید: با چی بنویسم و بر چی بنویسم؟ می گوید: با انگشتت به عنوان قلم و با آب دهنت به عنوان مرکب و بر کفنت به عنوان کاغذ بنویس. او ابتدا اعمال خوب خویش را می نویسد بعد نوبت اعمال بد می رسد، خجالت می کشد بنویسد. رومان می گوید: ای خطاکار! در دنیا وقتی آن اعمال زشت و قبیح را انجام می دادی از خدا خجالت نمی کشیدی، حالا خجالت می کشی؟! رومان گرز را بر می دارد او را بزند. می گوید: مهلت بده تا بنویسم. همه گناهان و خطاهایش را هم می نویسد. رومان می گوید: حالا مهر کن. می گوید: من که مهر ندارم؟ می گوید: با انگشتت مهر کن سپس به گردنت بنداز و تا روز قیامت این اعمال در گردنت خواهد ماند که خداوند در قرآن فرمود:

(وَ كُلِّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِی عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ یَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا) (اسراء/ ۱۳ و ۱۴)

یعنی: «و کارنامه ای هر انسانی را به گردنش آویخته ایم، و روز قیامت برای او نامه ای که آن را گشوده می بیند بیرون می آوریم»

شاهد این روایت، جریان آن مرده ای است که حضرت سلمان در آخر عمرش با همراهان به قبرستان رفت و مرده ای را صدا زد و سوالاتی از او کرد او هم جریان رومان را بیان کرد.

در هر صورت رومان فتان القبور بعد از شناسایی او پیش نکیر و منکر می رود و گزارش می دهد تا نکیر و منکر با توجه به اعمال او با صورت نیکو یا زشت وارد شوند (کفایة الموحدين ج ۴ ص ۲۳۱)

راز گریه سلمان در بستر مرگ:

هنگامی که سلمان در بستر مرگ افتاد، سعد وقاص برای احوالپرسی، کنار بستر سلمان آمد و گفت: «خوشا به سعادت تو، به تو مژده ای می دهم که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، از تو راضی بود و تو پس از مرگ به محضر آن حضرت می روی و در کنار حوض کوثر با او دیدار می کنی. قطرات اشک از چشمان سلمان سرازیر شد و سخت گریست

سعد گفت: «چرا گریه می کنی، با اینکه مرگ تو سرآغاز سعادت و شادمانی تو ملاقات با پیامبر صلی الله علیه و آله است؟»

سلمان گفت: گریه ام برای مرگ و جدایی از دنیا نیست. و لکن رسول الله عهد الینا، فقال: لیکن بلغه احدکم کزاد الراكب و حولي هذه الاساور؛ ولي رسول خدا صلی الله علیه و آله با ما پیمان بست و فرمود: باید توشه ی هر یک از شما از دنیا به اندازه ی توشه ی یک مسافر باشد ولی در کنار من این اثاثیه ها را می بینی. سعد می گوید: «در اطراف او نگاه کردم. یک تشت لباسشویی و یک سپر جنگ و یک آفتابه گلی و یک کاسه بیشتر نبود. در عبارت دیگر آمده است: سلمان گفت: «نگران آن هستم که بیش از حدود پیمان رسول خدا صلی الله علیه و آله در برگرفتن از توشه ی دنیا تجاوز کرده باشم.»

گفتگوی سلمان با یکی از مردگان:

یکی از عجایب زندگی سلمان که از کرامات اوست، گفتگوی او با مردگان است که در اینجا نظر شما را به آن جلب می کنیم:

اصبغ بن نباته از یاران نزدیک امام علی علیه السلام بود و در کوفه و مدائن رفت و آمد می کرد. او شنید سلمان در بستر بیماری است، چند بار به عیادت او آمد. اصبغ می گوید: بیماری سلمان سخت شد، به طوری که یقین به مرگ کرد. به من گفت: «پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داد که هر گاه مرگم نزدیک شد، مردگان با من صحبت می کنند. مرا به قبرستان ببرند.

این دستور انجام شد. سلمان در قبرستان رو به قبله نشست و خطاب به مردگان گفت:

السلام علیکم یا عرصه البلاء، السلام علیکم یا محتجبین عن الدنيا؛ سلام بر شما، ای همنشینان غمگده ی خاک، «سلام بر شما، ای در حجاب و خفا فرورفتگان:

بار دیگر با صدای بلند گفت: «سلام بر شما ای کسانی که خاک زمین شما را پوشانده است و در کام زمین فرو رفته اید. شما را به خدای بزرگ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سوگند می دهم، پاسخ مرا بدهید. من سلمان فارسی غلام آزاد شده ی پیامبر صلی الله علیه و آله هستم که به من وعده داده که هرگاه در آستانه ی مرگ افتادم، مرده ای با من سخن می گوید:

ناگاه از قبر این صدا برخاست:

... السلام علیک و رحمه الله و برکاته»

«سخن تو را شنیدم و برای پاسخ شما شتاب نمودم. خدا تو را رحمت کند، اکنون هر سؤال داری بپرس.

بین سلمان و او گفتگوی زیر ادامه یافت:

«سلمان: «تو اهل بهشت هستی یا اهل دوزخ؟»

«مرده: «خداوند بر من منت نهاد و مرا اهل بهشت کرده است.»

«سلمان: «مرگ را چگونه یافتی؟»

مرده: «مرگ به قدری سخت بود که اگر مرا با اره می بریدند و با قیچی بریده بریده می کردند، برای من آسان تر از دشواری های مرگ بود. اینک داستان زندگی مرا بشنو:

من در دنیا از افرادی بودم که خداوند توفیق علاقه مندی به نیکی ها را به من داده بود و واجبات را انجام می دادم.

قرآن می خواندم، به پدر و مادر نیکی می کردم. از گناهان و ستم دوری می نمودم و در کسب روزی حلال سعی داشتم. در بهترین دوران زندگی که در رفاه بودم، ناگهان بیمار شدم. پس از چند روزی شخص بسیار بلند قامتی را که منظره ی دهشتناکی داشت دیدم. به چشمانم اشاره ای نمود که نابینا شدم. به گوشم اشاره کرد، کر شدم. به زبانم توجه کرد، لال شدم و در این حال صدای گریه ی بستگانم را شنیدم. از آن شخص بلند قامت پرسیدم: «تو کیستی که چنین مرا در فشار قرار داده ای؟»

پاسخ داد: «من عزرائیل هستم، آمده ایم که تو را به خانه ی آخرت ببرم، چرا که مدت زندگی تو در دنیا به آخر رسیده است.»

در این هنگام دو نفر زیبا چهره و نورانی آمدند. یکی از آنها در جانب راست و دیگری در جانب چپ من نشسته،

سلام نموده و گفتند: «ما نامه ي عمل تو را آورده ایم ، آن را بگیر و بخوان.» نامه ي نيکي ها را از فرشته ي رقيب گرفته و خواندم و شادمان شدم، ولي با دیدن کارنامه ي گناهان- که از فرشته ي ديگر گرفته بودم- گريه کردم. آنان مرا دلداري داده و از نگراني بيرون آوردند.

پس از آنکه عزرائيل جان مرا گرفت، صدای گريه و شيون از خانه ام بلند شد. عزرائيل به خانواده ام گفت: «گريه نکنيد... پس از آنکه مرگش فرا رسيد، ناراحت نباشيد که او به سوي خداي کریم کوچ مي کند تا هر طور که بخواهد با او رفتار نمايد. اگر شما صبر کنيد، به پاداش آن مي رسيد.

آنگاه روح مرا بالا بردند... روح در غسل خانه به غسل فریاد مي زد: «اي بنده ي خدا، با اين بدن ضعيف مدارا کن.

آنها پس از آنکه بدنم را غسل دادند و کفن کردند، بستگانم با من وداع نموده بر من نماز خواندند و مرا به سوي قبر حرکت دادند. هنگامی که مرا وارد قبر نمودند، ترس عجیب مرا فرا گرفت، مثل آنکه از آسمان به زمین افتادم، قبر را با خاک پر کردند. هنگامی که جمعیت به خانه های خود بازگشتند، به قدری وحشت زده شدم که با خود گفتم: «اي کاش به دنیا بر مي گشتم

شخصی در پاسخ به این آرزوی من گفت:

کلا انها کلمه هو قائلها و من ورائهم برزخ الي يوم يبعثون؛ هرگز چنین نیست، این سخني است که او به زبان مي گوید (و اگر بازگردد، برنامه اش همان روش سابق است) و پشت سر آنها برزخي است تا روزي که برانگیخته مي شوند.» «از آن شخص پرسيدم: «کیستی؟

» گفت: «مالک منبه هستم، خدا مرا مأمور مردگان نموده تا چگونگی اعمال آنها را به آنها خبر دهم.

» او مرا نشانید و گفت: «بنویس.

» گفتم: «فراموش کرده ام.

» گفت: «هر چه را تو فراموش کرده اي، خدا همه ي آنها را مشخص کرده است.

» بازگفت: «بنویس.

» گفتم: «کاغذ ندارم.» گوشه ي کفتم را گرفت و گفت: «این کاغذ، بنویس.

» گفتم: «قلم ندارم.» انگشت اشاره ام را گرفت و گفت: «این انگشت قلم است.

» گفتم: «مرکب ندارم.

» گفت: «آب دهانت مرکب است.

سپس او مي گفت و من مي نوشتم، تمام اعمالم از کوچک و بزرگ را شرح داد و من نگاهشتم.

آنگاه نامه ي مرا گرفت و مهر کرد و پیچید و به گردنم افکند. این نامه آنقدر بر من سنگینی کرد که خیال کردم تمام کوههای عالم را بر گردنم افکندند.

سپس فرشته منبه از من دور شد و فرشته ي «منکر» با هیكلی بزرگ آمد و سوالاتي از آفریدگار و پیامبر و امام و ... قرآن از من کرد، همه را درست جواب دادم

سپس مرا در قبرم نهادند و فرشته نکیر، به من بشارت داد و گفت: «با آرامش خاطر بخواب» و از جانب سرم دري به سوي بهشت و از طرف پاهایم دري به سوي دوزخ گشوده شده بود. فرشته ي نکیر گفت: «به آتش دوزخ نگاه کن.» که از آن نجات یافته اي.

آنگاه آن در را بست و در بالای سرم را که به سوي بهشت بود، گشود و قبرم را وسیع کرد. اکنون همواره از نسیم دل انگیز و نعمت های بهشتی بهره مند هستم، سپس آن فرشته رفت و غایب گردید.

اي سلمان! حال من از وحشت و شادي این چنین بود... اي سلمان! مراقب باش و بدان که در محضر الهي هستي و روزي در درگاه الهي بازخواست مي شود.» آنگاه صدای آن مرده قطع شد.

سلمان به همراهان گفت: «مرا بر زمین نهید و تکیه دهید.» درخواستش را انجام دادیم، رو به آسمان کرد و دعایی خواند. پس از آن که دعایش به پایان رسید، به لقاء الله پیوست. مضمون ترجمه ي دعای سلمان این بود.

اي خدایي که اختیار همه چیز در دست تو است و همه به سوي تو باز مي گردند و به تو پناه مي آورند، به تو ایمان « آوردم و از پیامبرت اطاعت کردم و قرآنت را تصدیق نمودم. آنچه به من وعده دادی، به من رسید. آی خدایي که خلف وعده نمی کنی، روحم را به جوار رحمتت ببر و مرا در خانه ي کرامتت جای بده. من گواهی مي دهم که خدایي جز

خدای یکتا نیست.

خدایی که بی همتا است و گواهی می دهد که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول او است بحار، ج ۲۲، ص ۳۷۴

فرشتگان نگیر و منکر یا بشیر و مبشر؛ خدماتشان به بشر چیست؟

پاسخ:

فرشتگانی که وارد قبر می شوند. آنها چهره‌هایی زیبا دارند. پس از سوال و شنیدن جواب از مردم، زن و مرد و بچه و پیر و جوان، به نیکوکاران از آنها بشارت بهشت می دهند و قبرشان را با نعمتهای الهی گسترش می دهند و به این فرشتگان بشیر و مبشر (نگهبانان قبر) می گویند.

نگیر و منکر چهره ای ضد ایشان دارند مانند رعد غرنده و چشمهایشان مانند برق خیرکننده و از آنها آتش می دمند. دندانهای وحشتناک، فریاد آنها مو را بر تن میّت راست می کند. البته چهره آنان در برخورد با افراد تفاوت دارد توانایی میّت در پاسخ به سوالات نگیر و منکر بر اساس همان روحیه و باطنی است که در دنیا داشته است. (بحار الانوار باب احوال القبر و البرزخ - ج ۶۰)

نگیر و «منکر» نام دو فرشته است. (نام دیگر منکر، ناگر است.) این دو فرشته ماموران خداوند «نگیر و منکر برای بررسی اعتقادات شخص تازه درگذشته (مرده) هستند. در برخی روایات از این دو فرشته به «دو نگهبان قبر» تعبیر شده است.

مطابق روایات اسلامی، هنگامی که مرده را در قبر می گذرانند، نخستین کسانی که برای حسابرسی او حاضر می شوند، نگیر و منکر هستند. این دو فرشته چهره‌هایی هول انگیز دارند و حضورشان باعث احساس غربت و وحشت مرده می شود. صدایشان چون رعد و برق و نگاه شان همچون تندر آسمان است. نخستین سؤالی که از مرده می پرسند این است که «خدای تو کیست؟» و سپس درباره دیگر مسائل اعتقادی از او می پرسند: پیامبرت کیست؟ دینت چیست؟ امامت کیست؟

اگر شخص مرده، انسانی مؤمن باشد و عقایدی صحیح داشته باشد، نگیر و منکر قبر او را گسترده می کنند و روزنه ای در قبرش می گشایند که بتواند جای خود را در بهشت ببیند، ولی اگر مؤمن نباشد، بر او سخت خواهند گرفت و عذاب او را آغاز خواهند کرد.

تعبیری همچون «شرّ نگیر و منکر» یا «هول نگیر و منکر» که در روایات آمده است، به دلیل ترس و اضطرابی است که با دیدن این دو فرشته، به سراغ میت می آید؛ از این رو خواندن سوره مُلک، برای خلاصی از ترس و وحشت پس از مرگ سفارش شده است؛ در برخی دعاها نیز خلاصی از این مرحله دشوار طلب شده است همچنین به نزدیکان میت سفارش شده است که پس از خاکسپاری، میت را تنها نگذارند و با تلقین به او، در پاسخ دادن به سؤالات نگیر و منکر یاری اش کنند. (باب المسأله فی القبر (۲ / ۶۳۴ و ۲۰۱/۳ و ۲۳۶)؛ سفینه البحار.

سؤال نگیر و منکر از عقاید کل روح است. یعنی اصول فکری و عقیدتی که روح در عالم ماده داشته است و با همین افکار و عقاید اصولی، ارواح ساکن عالم آخرت از هم متمایز می شوند.

سؤال نگیر و منکر در واقع بیرون کشیدن نهان روح است و جواب روح همان باطن اوست. یعنی این سؤال و جواب مثل سؤال و جواب های دنیوی و متعارف ذهن ما نیست. در واقع این دو ملک باطن پنهان ارواح را آشکار می سازند و حقایق وجود آنها را پدیدار می سازند.

سید نعمت الله جزایری می فرماید: از ظاهر دعاهایی که از ائمه اطهار (علیهم السلام) رسیده بر می آید که منکر و نگیر جهت بازجویی کفار و فساق می آیند و مبشر و بشیر با بهترین هیئت و صورت به بازجویی مؤمنین می آید و موجب خشنودی آنها می شوند (الانوار النعمانیه، ۳ / ۲۲۵)

نامیده شدن ملایکه ی الهی به نگیر و منکر که در ظاهر اسم زشتی است، به خاطر این نیست که زشتی در ذات آنها باشد، چون ملایکه ی الهی از هر پلیدی به دوراند، بلکه به خاطر این است که کافر و فاسق از دیدن آنها منقلب و گرفته و ناخشنود می شوند مانند نامیدن شدن به خزنة الجهنم و زبانیة که برخی از ملایک اند. (المنقذ من التقلید، حمصی رازی، ۲ / ۱۹۷)

جمع بندی: پرسش در قبر برای کافران و فاسقان توسط نکیر و منکر با حالت ترسناک و برای مؤمن توسط مبشر و بشیر با حالت فرحناک انجام می شود، محور پرسش ها، عقاید و اصول دین است به ویژه مسأله ی امامت خداوند، پیامبر، دین، امام" در روایت تدفین فاطمه مادر حضرت امیر(علیه السلام) که پیامبر اکرم نام علی(علیه السلام) را به او تلقین کرد تا در پاسخ ملایکه بیان کند: حق الیقین، عبدالله شیر، ۲ / ۳۸۴ " اما از مسایل فروع دین به ویژه مسایلی که در تعیین ... سرنوشت انسان مؤثر است نیز سوال می شود مانند: صرف عُمر، دوستان و بیشتر آنچه گفته شد در منابع اهل سنت نیز وارد شده است: در روایتی به آیه ی شریفه ی (يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ) برای سوال در قبر استدلال شده است، و پس از آن همان اوصافی که برای نکیر و منکر ذکر شد بیان کرده است و اضافه شده که به دست هر کدام گریزی به وزن سنگینی آهن های دنیا است و از ربّ و نبی و قبله و امام می پرسند و مؤمن در پاسخ می گوید... امام من علی بن ابی طالب(علیه السلام) است. (حق الیقین، عبدالله شیر، ۲ / ۳۸۷ به نقل از کتاب المناقب از قول ابوهریره)

احمد بن حنبل که فهرست و اصول عقاید اهل حدیث را نوشته می گوید: عذاب قبر حق است و در آن از گناهان بندگان و از پروردگار و از بهشت و دوزخ سوال می کنند و مسأله ی دو فرشته ی به نام نکیر و منکر نیز حق است (طبقات الحنابلة، قاضی ابوالحسین، محمد بن یعلی، ص--۲۲۶

در عالم قبر و برزخ از چه کسانی سوال می شود؟

پاسخ:

در عالم قبر و برزخ از دو کس سوال می شود یا از کسی که در عالم ماده به حقایق حقّه دسترسی پیدا کرده و سپس سعی در تطبیق عملی خود با همان عقاید نموده اگر چه اشتباهات و لغزشهایی هم در مقابل عمل و تحقیق داشته باشد و یا از کسی که در حیات دنیوی در برابر سوالات مطرح شده در درون خود به حرکت افتاده است ولی حرکت او برای نیل به حقّ نبوده است بلکه آمیخته به اغراض و تعصّبات و هواها و توأم با سستی و اهمیّت ندادن به حق بوده و در نهایت به عقاید باطل گرایش پیدا کرده و سپس سعی در تطبیق عملی خود با آن اباطیل نموده است در آخر به کفر و ضلالت رسیده است. از این دو گروه مؤمن محض و کافر محض در قبر سوال می شود. تا باطن آنها نمایان شود تا تمایز وجودی آنها پدیدار گردد. .. (معاد یا بازگشت به سوی خدا، محمد شجاعی، ص ۲۷۰ - ۳۲۰

قبر چه جایگاهی است؟

پاسخ:

القبر روضة من رياض الجنة او حفرة من حفر النيران(تفسیر نور الثقلین -ج۲ص۵۰۲)

قبر باغی از باغهای بهشت یا گودالی از حفرة های آتش است.

آیا مردگان صدای انسانهای زنده را می شنوند؟

پاسخ:

رسول خدا (ص) در جنگ بدر بر چاه بدر ایستاد و خطاب به مشرکینی که در آن روز کشته شده بودند و جسدشان در چاه انداخته شده بود ، فرمود:

قد کنتم جيران سوء لرسول الله، أخرجتموه من منزله وطررتموه، ثم اجتمعتم عليه فحاربتموه، فقد وجدتُ ما وعدني ربِّي

حقاً (صحيح البخارى: ۷۶/۵، باب قتل أبى جهل ; وسيرة ابن هشام: ۲۹۲/۲ -)

همسایه های بدی بودید برای رسول خدا (ص) : از منزلش بیرونش کردید و طردش نمودید سپس به جنگ با او جمع شدید و با او نبرد کردید ، اینک من وعده ای که خداوند به من داده است حق می بینم.

عمر گفت: ای رسول خدا (ص) خطاب شما با بدنهای بدون روح چه فایده ای دارد؟

حضرت در پاسخ فرمودند:

مه! یابن الخطاب ، فوالله ما أنت بأسمع منهم ، و ما بینهم و بین آن تأخذهم الملائكة بمقامع الحديد الا أن أعرض بوجهی هكذا عنهم (بحار الانوار ج ۶ ص ۲۵۴)

ساکت شو ! ای فرزند خطاب ، به خدا قسم تو از آنها شنواتر نیستی و بین آنها و اینکه ملائک با گرزهای آهنین آنان را در بر گیرند چیزی جز اینکه صورتم را چنین بر گردانم فاصله ای نیست.

سخنی از آیت الله جوادی املی حفظه الله تعالی: آیت الله جوادی املی می فرمایند: «مردگان توان شنیدن و فهمیدن را دارند، گرچه گوش و مغز مادی آنان از کار افتاده باشد، از این رو آنان را تلقین می کنند.

قالب انسانهای برزخی از چیست؟

پاسخ:

فاذا قبضه الله عزوجل ، صیر تلك الروح فی قالب كفاليه فی الدنيا فیاكلون و یشربون فاذا قدّم علیهم القادم عرفوه بتلك الصّورة الّتی كانت فی الدّنيا (بحار الانوار ج ۶ ص ۲۶۹)

وقتی خداوند روح انسان را می گیرد آن را در قالبی چون قالب جسمانی او در دنیا قرار می دهد آنان می خورند و می نوشند و چون کسی بر آنها وارد شود، به همان صورتی که در دنیا او را دیده اند می شناسند. برزخ نشئه ای از دنیا یا بهتر بگوییم ادامه دنیاست.

سؤال در قبر توسط ملائکه به چه صورت است؟

پاسخ:

۱- انسان مؤمن و متدین که ایمان و تدین با گوشت و خون وی ممزوج شده و ملکه انسانیت و سیرت انسانی یافته است همان را به ملک منعکس خواهد کرد با همین جواب نعمتها سرازیر می گردد و تا چشم کار می کند قبر وسعت یافته و روح متنعم می شود.

۲- اما دسته ای که کافر ، مشرک و منافق و مسلمینی که ایمان آنها ودیعتی بوده ، اینان از جواب می مانند و از هیبت آن دو ملک ، صورت ظاهری ایمان آنها فرو می ریزد.

لا یُسئل فی القبر الا من محض الايمان محضا او محض الكفر محضا و الاخر ون یلهون عنهم (فروع کافی، ج ۳، ص ۲۳۵) سؤال نمی شود در قبر مگر از مؤمن خالص و کافر خالص و دیگران را رها می کنند. بنا براین روایت دو دسته دیگر از انسانها ، مؤمنین گنهکار و مشکوکین در اعتقاد مورد بازخواست نکیرین قرار نمی گیرند اینان حالتی چون خواب دارند و به همان شکل که در دنیا مرده اند باقی می مانند. ملائکه نکیرین بر اشخاصی که نتوانند بدرستی جواب سئوالات را بدهند وارد می شوند.

ملکه رومان (فرشته آزمایش کننده مردگان) کیست و چکار می کند؟

پاسخ:

مطابق بعضی روایات قبل از نکیر و منکر ، ملکی به نام "رومان" وارد قبر می شود و میت را می نشانند سپس به وی می گوید: اعمال خودت را بنویس و چون او از نوشتن سیئات خود شرمند می شود به وی می گوید: در دنیا از خدا حیا نکردی اکنون از من حیا می کنی؟ آنگاه این ملک ضربه ای سخت بر او وارد می کند . چون نامه تمام شد آن را بر گردنش می آویزد و این معنای آیه شریفه است:

و کل انسان الزمناه طائره فی عنقه.... (اسراء/۱۳). هر انسانی عملکردش چون غل با زیور آلات دور گردنش پیچیده شده است. نا گفته نماند که اساساً سؤال در قبر نوعی امتحان است و برای تثبیت عقاید دنیوی می باشد.

معانی روح در قرآن. در فرهنگ قاموس قرآن:

این کلمه؛ روح در عرف به معنی روان و روح مقابل جسم و جوهر مجرد است و در قرآن مجموعاً بیست و یکبار آمده و مراد از آن فرشته و غیره است. فارسلنا الیهاروحنا"مریم ۱۷" روح در اینجا رسول پیامبر (ص) است. قل نزلہ روح القدس...."نحل ۱۰۳" که مراد جبرئیل است جبرئیل در نزد خدا مقام مخصوصی دارد و ملائکه دیگر از وی فرمان می برد..

گاهی مراد از روح، شریعت و دین است: در آنجا که بعد از روح امر الهی آید، مانند: .. او حینا الیک روحاً من امرنا... (شوری ۵۲) و ینزل الملائکة بالروح من أمره... "نحل ۲" یلقى الروح من أمره... "غافر ۱۰" زیرا که شریعت و کتاب اسباب انذار و هدایت اندو منظور از القاء و انزال این روح همان انذار و هدایت است .

تنزل الملائکة و الروح باذن ربهم... "قدر ۴" سخن از روحی است که در عروج بسوی خدا و در نزول برای هر کارو در ایستادن در پیشگاه خدا در روز قیامت با ملائکه همراه است. ملائکه در مدت عمر این جهان در عروج و نزولند و چون روز قیامت از مأموریت خود فارغ شدند بحال صف در پیشگاه خدا خواهند ایستاد و این روح نیز در هر سه مرحله با آنها همراه می باشد.

در دعای سوم صحیفه پس از صلوات یعنی صلوات بفرست بر آن روح که بر ملائکه حُجْبُ مَوکل است و بر آن روح که از امر توست، این جمله روح را از جبرئیل جدا می کند مشروط به اینکه مراد از آن همان ملک باشد که در آیات فوق است..

و مراد از آن شاید عقول بشر و غریزه های جانداران و احساس نباتات از شعبه های آن است. زیرا خداوند جانداران این جهان را بسوی کمال سوق می دهد و همان عقل است که صعود و نزول و قیام در مقابل حق با ملائکه توأم باشد.

شاید مراد از روح وحی باشد، و یا شاید مراد از آن نور ایمان باشد،

روح مستقل چیست؟

روحی که نفخت فیه من روحی.... (حجر ۲۹) یعنی اثری از خداست چنانکه وجود عیسی اثری از خداست که عیسی روحی و حیاتی بود که در مریم دمیده شد و شروع برشد کرد. استقلال روح از ضروریات دین اسلام است و بسیاری از امتهات مسائل اسلامی بسته به وجود روح مستقل است

باید توجه داشت که هر مرتبه ای از روح دارای آثاری متفاوت با مرتبه دیگر است، علامه در تفسیر آیه «و ایدهم بروح منه» می نویسد: «ظاهر آیه این معنا را افاده می کند که در مؤمنین به غیر از روح بشریت که در مؤمن و کافر هست، روحی دیگر وجود دارد که از آن حیاتی دیگر ناشی می شود و قدرتی و شعوری جدید می آورد: من عمل صالحا... فلنحیینه حیوة طيبة.» "انعام ۱۲۲" و نیز آیه «.. او من کان میتا فاحییناه» نحل ۹۷"

این مطلب که انسان چند روح است، گاهی از منظر فلسفی مطرح می شود و گاهی از منظر عرفانی و گاهی از منظر اخلاقی

تعداد روح از منظر فلسفی را تعریف نمایید؟

پاسخ:

حکیمان بر این باورند که انسان از سه روح یا چهار روح تشکیل یافته است:

روح یا نفس نباتی

حکیمان نفس نباتی را به کمال اول جسم طبیعی آلی که دارای تغذیه، رشد و تولید مثل است تعریف نموده اندو حداقل

نشانه نفس نباتی را تغذیه می دانند.) هزار و یک نکته ص ۸۱ الی ۸۳

نفس یا روح حیوانی

. منظور بیان مرتبه «نفس حیوانی را به «کمال اول جسم طبیعی آلی که فقط دارای حس و حرکت ارادی است در هر صورت «حس» و «حرکت ارادی» دو علامت و نشانه اختصاصی «نفس حیوانی» می باشند. «حس» در اینجا به معنای مطلق «ادراک» (غیر از تعقل) است.
(النفس من کتاب الشفاء، ص ۵۵۵)

روح یا نفس انسانی :

ابن سینا در مورد افعال و خواص و ویژگی های نفس انسانی توضیحاتی می دهند که به صورت اختصار در موارد زیر خلاصه می گردد:
قدرت سخن گفتن؛ ۲- توانایی اختراع و تحصیل صنایع عجیب؛ ۳- داشتن حالاتی مانند «خنده» و «گریه»؛ ۴- داشتن حالت «خجالت»؛ ۵- داشتن حالت «ترس» و یا «امید»؛ ۶- توانایی درک «خوبی و بدی»؛ ۷- آینده نگری

اسفها، ج ۹، ص ۲۷۹ به بعد"

تعداد روح از منظر عرفانی

عارفان بر این عقیده اند که انسان از مقامات چهار گانه روح، قلب، خیال، طبع برخوردار است. با این توضیح که عارفان، نفس ناطقه انسانی را از آن جهت که مبدأ حرکت و سکون است به آن «طبع»؛ و به اعتبار این که مبدأ برای ادراکات جزئی است «نفس»؛ و به لحاظ این که مبدأ برای ادراکات کلی تفصیلی است «قلب»؛ و به اعتبار این که ملکه بسیط که خلاق تفصیل ادراکات کلی در او حاصل است «روح» نامیده اند

تعداد روح از منظر اخلاقی

عالمان اخلاق نیز معتقدند که انسان معجونی از نیروهای مختلف است؛ که از میان آنها چهار قوه و هم و غضب و شهوت و عقل بر نیروهای دیگر تسلط دارند و آنها را تحت فرمان خود قرار می دهند.

صدر المتألهین می گوید:

باطن انسان معجونی از نیروهایی است که دارای صفات متضادند؛ بعضی به صفات چار پایان و بعضی به صفات درندگان و بعضی به صفات شیاطین و بعضی به صفات فرشتگان اند. از صفت چار پایگی شهوت و شکمبارگی؛ شهوت حرص و فجور از صفات درندگی، حسادت و دشمنی و کینه، از صفات شیطانی نیرنگ و فریب و تکبر و مقام دوستی و افتخار و برتری جویی. از صفات فرشتگی، علم و پاکی - ریشه همه اخلاق و صفات روحی انسان این چهار چیزند که خمیره و سرشت باطن انسان اند و جز از طریق نور هدایت شرع و عقل، رهایی از ظلمت آن سه (چارپایان- درندگان- شیاطین) امکان ندارد. (اسفار ج ۹ ص ۹۳)

احضار روح آیا واقعیت دارد؟

پاسخ

آیت الله مکارم شیرازی در کتاب عدد ارواح درباره شیطنتهای مدعیان احضار ارواح مفصل بحث نموده است. او نیز در عین حال که اصل مسئله ارتباط با ارواح را به عنوان یک واقعیت پذیرفته، اما به سوء استفادههایی که در این مسئله صورت گرفته و موهوماتی که در آن وجود دارد، اشاره کرده است.
آیت الله جوادی آملی در این باره می گوید: این که برخی می گویند: ما با ارواح موکل سماوات یا با فرشتگان یا جنیان یا با ارواح مؤمنان یا زندگان ارتباط برقرار کردیم، راه اثبات ندارد، حتی برای خودشان، هر چند ثبوتاً ممکن است که آدمی با فرشتهای موکل آسمان یا زمین یا شیاطین انس و جن یا با ارواح مردگان و زنده ارتباط برقرار کند. زیرا آنها

مجردند و انسان هم دارای روح مجردات و مجرد می‌تواند با مجرد دیگر ارتباط برقرار کند. اما راه اثبات این مسئله آسان نیست. به هر روی اگر کسی مدعی ارتباط بود، دلیلی برای اثبات ندارد.

تفسیر موضوعی قرآن، جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۱۹ - ۱۲:

واعظ شهیر مرحوم محمد تقی فلسفی می‌گفت: من در یکی از جلسات احضار ارواح حضور داشتم. هر یک از حاضران به نوبت نزد «مدیوم» (کسی که مدعی احضار ارواح است). می‌رفت و می‌گفت: روح فلانی شخص را حاضر کن. وی نوشته‌ای را در سوراخ می‌گذاشت و با چرخاندن چرخ دنده به داخل میز می‌برد و بعد از چند دقیقه نوشته‌ای از آن ظاهر می‌شد که مثلاً روح عموی شما حاضر شده است و به شما سلام می‌رساند و جویای حال شما است. آقای فلسفی می‌گوید: من از هیچ یک از آن چه مشاهده کرده بودم، قانع نشدم که پاسخ سئوال‌ها مربوط به روح است، تا نوبت به من می‌رسید. گفتم: روح حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر نامدار ایران را برای من احضار کن. مدیوم نوشته‌ای به میز سپرد و بعد از پنج دقیقه چرخ دنده را چرخاند و کاغذی از آن ظاهر شد که نوشته بود جناب آقای محمد تقی فلسفی روح حکیم ابوالقاسم فردوسی این جا حضور دارد و به شما سلام می‌رساند. من گفتم: با این نوشته قانع نشدم که روح فردوسی حاضر شده است. می‌خواهیم از او سنوالی کنم. مدیوم گفت: وقت شما تمام شده است. بار دیگر در نوبت قرار بگیر تا نوبت تو فرا برسد. نوبت که به من رسید، یک صفحه نوشته به او دادم و گفتم: این را بده به روح حکیم ابوالقاسم فردوسی تا به صورت نظم همانند شاهنامه، درآورد، و می‌دانستم که این مدیوم نمی‌تواند مانند فردوسی شعر بسراید. کاغذ را در سوراخ میز گذاشت و چرخ دنده را چرخاند و بعد از گذشت ده دقیقه با ناراحتی تمام کاغذی را از میز بیرون آورد که نوشته بود: جناب آقای فلسفی روح حکیم ابوالقاسم فردوسی از این سؤالی شما ناراحت شده و قهر نموده است و از این جا رفته است. از امثال این گونه گزارش‌ها فهمیده می‌شود که احضار روح به شکل «اسپریتسیم» شیطنتی بیش نیست و معمولاً افراد ساده لوح تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

معقبات نام کدامین فرشتگان است؟

پاسخ:

فرشتگانی که خداوند بر بندگانش گماشته است تا شیاطین سرکش و حشرات مودی و بسیاری از آفات و گزندهای دیگر را به اذن خدا بگونه‌ای که خودشان هم متوجه نشوند از بندگان دفع می‌کند تا آنگاه که فرمان خدای عزوجل در رسد. دوفرشته در شب از انسان مراقبت می‌کند و دوفرشته که در روز محافظتش می‌کند و اینکار به نوبت انجام می‌گیرد.

(احتجاج ۲/۴۲۲)

گرام الکاتبین کدام فرشته است؟

پاسخ:

دو فرشته گماشته بر انسان "گرام الکاتبین" است "إِنَّ عَلَیْكُمْ حَافِظِیْنَ" که خوبیها و بدیها را می‌نویسد. (تفسیر قمی ۴۰۹/۲)

جَنّ و نَسَناس و شیطان را تعریف نمایید؟!

پاسخ:

والجان خلقناه من قبل نار السّموم (حجر ۲۷)

جن در لغت اینکه چیزی است که از حسن انسان پوشیده باشد و از آتش است.

جن و جان مخلوقاتی پوشیده و نادیدنی اند.

قبل از خلقت آدم دو طایفه در روی زمین مسکن داشتند یکی طایفه جنّ و دیگری فرقه نسناس است. در کتاب دهخدا در حرف (ن) گفته است: "نسناس جانوری است نصف انسان یک پا دارد و یک دست و یک چشم و به زبان عربی حرف می زند." هفت هزار سال این دو طایفه پیش از بنی نوع انسان در زمین مسکن داشتند و زندگی می کردند. چندین مرتبه جنّ و نسناس با هم جنگ و نزاع کردند و در روی زمین طغیان کردند و خلق کثیری از طرفین کشته شدند و به امر خدا عاصی شدند. و ملائکه به آنها نفرین کردند چرا اینکه طغیان جنّ خیلی بیشتر شد. پس خداوند به جمعی از ملائکه امر نمود از آسمان نازل شدند و ملائکه بسیاری از جن را کشتند و شیطان را اسیر کردند و به آسمان بردند. شیطان آن وقت کوچک بود و حادثات عمرش بود، در آسمان چندین هزار سال عبادت نمود بحدی که عبادت خدا را کرد که از ملائکه گذرانید بطوریکه ملائکه به او تقرب می جستند و از او التماس دعا می کردند. شیطان بر ملائکه مشتبّه شد و بسیاری از جنیان اعتقاد کردند که شیطان از ملائکه است چون او را اعلم می دیدند و جمع می شدند و شیطان منبر می گذاشت. شیطان بالای منبر می رفت و برای ملائکه موعظه می خواند تا خلقت آدم.

گاهی اوقات از جنّ تعبیر به ابلیس می شود و آفرینش آنها مقدم بر آفرینش آدم است. در تعریف جنّ گفته اند: "الجن جسم ناری سفلی یتشکل باشکال مختلفه حتی الکل و الخنزیر سوی الملک و النبی".

آیا آنچه از غیب بی اطلاع و ناآگاه هستند؟

پاسخ:

بلی: هنگامی که مرگ بر سلیمان مقرر شد کسی آنان را بر مرگ وی آگاه نساخت مگر جنبه زمین، (موریانه) که عسای او را خورد تا عصا شکست و پیکر سلیمان فرو افتاد. پس هنگامی که سلیمان بر زمین افتاد جنیان فهمیدند که اگر از غیب آگاه بودند در عذاب خوار کننده باقی نمی ماندند (سب/۱۴) جنیان در قرآن در باره استراق سمع بعد از بعثت حضرت رسول (ص) می فرماید: اَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ، ما پیش از این به استراق سمع آسمانها نشستیم ولی اکنون هر کس بخواهد استراق سمع کند شبهایی را در کمین خود می یابد.

معانی مختلف شیطان چیست؟

پاسخ:

شیطان:

شیطان از ماده «شطن» به معنی مخالفت می باشد، و به هر موجود طغیانگر و مخالفی گویند، خواه از انسان ها باشد یا از جن و یا از حیوانات (المنجد فی اللغة)

کلمه ی شیطان در قرآن به سه صورت استعمال شده است:

مفرد شیطان بدون الف و لام؛ در این صورت مراد، شیطان غیر معین است و می تواند شامل هر فردی از شیاطین جن و انس، بشود مثل این آیه ی شریفه: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ» یعنی هر کس از یاد خدا روی گردان شود شیطانی را به سراغ او می فرستیم که همواره قرین اوست.

مفرد الشیطان همراه با الف و لام؛ در این صورت غالباً به معنی خاص یعنی ابلیس آمده است،

یعنی مثل آیه شریفه "بَنَىٰ آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ"

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبید، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد. و در برخی موارد نیز به معنای عام آمده است، مثل این آیه ی شریفه: «الشَّيْطَانُ يَعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ...»

یعنی شیطان شما را از فقر و تهیدستی بیم می دهد و به فحشا و زشتی ها فرا می خواند.

شیاطین به صورت جمع؛ و این نشانگر آن است که شیطان مصادیق متعدد و مختلفی دارد در حالی که اگر کلمه ی شیطان اسم برای فرد خاص (ابلیس) بود، به صورت مفرد می آمد. علاوه براین که در برخی از آیات بعد از کلمه ی

شیاطین به اختلاف جنس شیطان ها نیز اشاره می کند، مانند آیه ی شریفه:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ» :

و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیطان های انسان و جن قرار دادیم .

ابلیس از کلمه ی (ابلاس) و به معنای غم و اندوهی است که از شدت یأس و ناامیدی باشد. خداوند می فرماید: تَقَوْمُ السَّاعَةِ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ و روزی که قیامت بر پا شود، تبهکاران نومید و غمگین می شوند.

ابلیس را بدین جهت به این نام می خوانند چون از رحمت خدا ناامید شد و علت آن تمرد از دستور خداوند متعال بود قرآن در این زمینه می فرماید: «و به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم برای آدم سجده کنید، آنها همگی سجده کردند و به جز ابلیس، او از جن بود. پس از فرمان پروردگارش خارج شد. خداوند از او سؤال کرد: «ای ابلیس چه چیز مانع تو از سجده کردن بر مخلوقی که با قدرت خود او را آفریدم گردید؟ آیا تکبر کردی یا از برترین بودی؟ (خود را برتر دیدی) ابلیس جواب داد: من از او بهترم مرا از آتش آفریده ای و او را از خاک.

امام رضا علیه السلام فرمودند: " نام ابلیس، «حرث یا حارث» بوده است. و ابلیس نامیده شد زیرا از رحمت خدا مأیوس گردید(سفینه البحار، ج ۱، ص ۹۹) ابن عربی، صاحب کتاب فتوحات مکیه در خصوص نامگذاری ابلیس می نویسد: اولین کسی که شیطان نامیده شد، [حارث] بود، پس خداوند او را ابلاس نمود. یعنی از رحمت خود طرد و مأیوسش کرد. قرآن می فرماید: وقتی که خداوند او را از صف ملائک خارج نمود عرض کرد: پروردگارا پس مرا تا روزی که (خلایق) برانگیخته می شوند، مهلت ده، خداوند فرمود: تو از مهلت یافتگانی تا روز و زمانی معین(سوره ص، ۷۹ - ۸۰ - ۸۱ "قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)..... إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ.

وقتی ابلیس از زنده بودن خود مطمئن گشت گفت: «به عزت تو سوگند که همه ی (مردم) را گمراه خواهم کرد. مگر بندگان تو، آنان که خالص شده اند(ص، ۸۲ - ۸۳ "قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ. البته ذکر این نکته لازم است که همه ی شیاطین تابع دستورت ابلیس بوده و تحت فرماندهی او می باشند. قرآن کریم از این گروه بعنوان حزب شیطان (ابلیس) نام می برد. شیطان (ابلیس) بر آنها چیره شده پس یاد خدا را از خاطرشان برده است، آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیان کارانند. نتیجه این که:

ابلیس، اسم شیطان خاصی است که بواسطه ی نافرمانی از درگاه خداوند متعال رانده شد و شیطان یک مفهوم کلی است به معنی موجود متمرد و طغیانگر که شامل ابلیس و دیگر شیاطین از جن و انس و حتی حیوانات می گردد.

"سوره ص، ۷۷-۷۸"
تفسیر نمونه، ج ۱۹، ۳۴۱
تفسیر نمونه، ج ۱۲، ۴۶۲
سفینه البحار، ج ۱، ص ۹۹
الفتوحات المکیه، ابن عربی، ج ۱، ص ۱۳۴ - (سایت اسلام کرنیست-)

امام صادق(ع)فرمودند: هجوم شیاطین به مؤمنان بیشتر از هجوم زنبورها به گوشت است.(البحار ۴۳/۹۴-۲۱/۱۴۳-۲۷/۲۱۱/۸۱)

امام صادق(ع): ابلیس در این سرای برای فریب دامهای خود را پهن کرده و هدف او کسی جز دوستداران ما نیست(همان)

آیا ابلیس از ملائکه بود؟

نسبت گمراه سازبها شیطان؛ پیامبر خدا (ص) : در آینده فتنه ها و حوادث گمراه کننده ای پیش خواهد آمد که انسان صبح خود را با ایمان آغاز می کند و شب که فرا می رسد به کفر افتاده است مگر کسی که خدای تعالی او را به دانش و آگاهی زنده کرده باشد. (کنز العمال ۳۰۸۸۳-) شیطان و ابلیس اگر چه از جنس ملائکه نبود ولی به لحاظ مقامات در مرتبه مشترکی با آنان قرار داشت. او در صف ملائکه قرار داشت ولی از آنها نبود .ا. از طایفه جن بود که مخلوق مادی است.

حضرت امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه در این مورد می فرماید:

و کان قد عبدالله ستة آلاف سنة، لا یدری امن سنی الدنيا ام سنی الآخرة.

شیطان شش هزار سال خداوند را عبادت کرد آن هم معلوم نیست از سالهای دنیا (۳۶۵ روز) یا سالهای آخرت (که هر روز آن برابر با پنجاه هزار سال دنیا است).

خوب شیطان به واسطه این عبادات طولانی به مقامات عالی معنوی ترقی یافته بود که حتما جزء فرشتگان محسوب شده و احکام او با فرشتگان برابر شده بود. اما بعد از سرپیچی از فرمان خداوند رانده شد.

اجنه گر چه مانند بشر از قدرت انتخاب و اختیار برخوردار هستند اما به لحاظ مرتبه از آدمی پائین تر هستند ابلیس با عبادات شش هزار ساله خود به صف فرشتگان پیوست ولی آدم (ع) محمود ملائکه قرار می گیرد و این بدان جهت است که ظرفیت وجودی و استعداد انسان بیش از این می باشد و در واقع شیطان و ملائکه ها مامور بودند که به انسان کامل سجده کنند، و اوست که استعداد وجودی خود را به فعلیت رسانده است و به مقام خلیفه الهی نائل شده است.

بعضی از دانشمندان از آیه ۱۲ سوره اعراف (قال ما منعک الا تسجد اذ امرتک قال انا خیر منه خلقتنی من نار و خلقته من طین، فرمود: چون تو را به سجده امر کردم چه چیزی تو را بازداشت از اینکه سجده کنی؟ گفت: من از او بهترم مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی- ترجمه فولادوند) استنباط کرده اند که خداوند به شیطان یک دستور جداگانه ای برای سجده داده است اگر چه آن را به تفصیل بیان نکرده اند چون در این آیه به شیطان یادآوری می شود که چرا وقتی تو را فرمان دادم و امر به سجده کردم نپذیرفتی؟ (امرتک) معلوم می شود شیطان را نیز جداگانه امر فرموده است ولی قرآن در مقام حکایت، امر به ملائکه و شیطان را یکجا آورده است، و اگر یک دستور جداگانه به ابلیس داده نمی شد ابلیس در جواب می توانست بگوید بار خدایا تو به من امر نکردی بلکه امر تو خطاب به ملائکه بود و خودت می دانی که من از ملائکه نیستم بلکه از اجنه می باشم ولی شیطان این استدلال را نکرد و آنچیزی را گفت که در آیه ۱۲ سوره اعراف آمده است و این تاییدی است که خداوند جدای از فرشتگان شیطان را هم مامور به سجده کرده است. (اندیشه جاوید، آیت الله سبحانی، ج ۲، مسئله ۱۲۲)

شیطان بر چه کسانی مسلط می شود؟

هر که خود را به غیر خدا مشغول دارد در تاریکیها سرگردان ماند و در تباهیها فرو رود و شیطان هایش او را در طغیان کمک کنند و کردار های زشت او را در نظرش بیاراید (نهج البلاغه خ ۹۱-۱۰۷)

چه چیز روی شیطان را سیاه می کند؟

صدقه دادن آنهم صبح زود! استغفار و توبه!

شیون شیطان چه زمانی بلند شود؟

زمانی که ام الکتاب (سوره فاتحه) به حضرت نازل شد و بندگان خدا فهمیدند که خدا را چگونه عبادت کنند. (نهج البلاغه خ ۱۹۲)

چه فرقی بین ابلیس و فرشتگان است؟

پاسخ:

هر دو به نوعی خود را برتر از آدم می دیدند. ابلیس به واسطه خلقت، خود را برتر می دانست "أنا خیر منه" و فرشتگان بواسطه عبادت می گفتند: "نحن نسبح بحمدک". ابلیس در برابر فرمان خدا ایستادگی کرد و سجده نکرد ولی فرشتگان چون حقیقت را دیدند و فهمیدند پوزش خواستند و اقرار به جهل خود کردند "سبحانک لا علم لنا".

آیا سجده فرشتگان برای آدم بود یا خداوند تعالی؟

پاسخ:

سجده فقط برای عظمت پروردگار بزرگ است چرا که هیچ معبودی جز خدا نیست و سجده فرشتگان خضوع است و معنای پرستش ندارد.

در پرتو ابزارهای شناخت، نقل به روایات و قرآن شبهات حل خواهد شد:

ابزارها در شناخت اشیاء و معرفت آنها حسی و نقلی (غیر از استنتاج عقلی) است.

حسی که بدانیم حواس ما برای این آفریده شده اند تا موجودات عالم ماده را تشخیص دهند.

نقلی آنچه را که از راه نقل حکایت می کند.

فرشتگان نوعی از مخلوقات خدا و بندگان خدایند که بالدار هستند، زندگی می کنند، و می میرند. دارای اراده و عقل اند. گاهی که نیاز باشد برای انجام فرمان خدا بصورت انسان ظاهر می شوند. آنها از حیث فضل و مقام درجات متفاوتی دارند مانند روح الامین، روح القدس؛ که خداوند از آنان دو فرشته مأمور بر انسان دارد که اعمال خیر و بد او را ثبت می کنند و نیز ملکه الموت و زیردستان او آنان همه به وظایف الهی خود عمل می کنند. از آنجا که عالم فرشتگان و جن و روح در قیامت و ابتدای آفرینش برای ما محسوس و مشهود نیست ما راهی جزء راه نقل از طریق پیامبران خدا برای شناخت آنها نداریم.

آیا هاروت و ماروت از ملائکه بود؟

پاسخ:

این دو فرشته به سرزمین بابل آمدند. افسانه ها و اساطیر عجیبی برای آنها ساخته اند. تا جائیکه چهره خرافی به آن داده اند. در سرزمین بابل سحر و جادوگری به اوج خود رسید و باعث ناراحتی و ایذاء مردم گردیده بود. خداوند دو فرشته را بصورت انسان مأمور ساخت که عوامل سحر و طریق ابطال آن را به مردم بیاموزند تا بتوانند خود را از شرّ ساحران بر کنار دارند. ولی آنان از تعلیمات فرشتگان سوء استفاده کردند و این موضوع سبب شد که گروهی پس از آگاهی از طرز سحر، خود در ردیف ساحران قرار دادند و مزاحمت برای مردم ایجاد کردند با اینکه هاروت و ماروت به آنها گفتند: این آزمایش الهی است و سوء استفاده از آن کفر است اما آنها باعث ضرر و زیان به مردم شدند. (خرمشاهی- دانشنامه قرآن)

معرفی ملائکه از قرآن:

ملائک و یاری آنها برای پیروزی" آل عمران ۱۲۴/

لعن خدا و ملائک بر دشمنان اسلام و کافران" آل عمران/ ۸۷"

ملائک و بشارت فرزندی چون عیسی به مریم(س) و بشارت یحیی به زکریا" ۴۵-۳۹- آل عمران"

ملائک مقربون "۱۷۲ انشاء"

ملائکه عذاب برای دروغگویان در وحی الهی و کسانی که تسلیم آیات الهی نشدند" انعام/ ۹۳"

ملائکه و ظهور آنها بر انسانهای لجوج در ایمان آنها اثری ندارد" انعام/ ۱۱۱"

خلق آدم و سجده ملائکه بر آدم" اعراف/ ۱۱"

رفع وحشت در مقابله با دشمن با یاری ملائکه" انفال/ ۹"

نزول فرشتگان قبض روح بر بشر با اذن الهی" انفال/ ۵۰"

بهشتیان و سلام ملائکه از هر در بهشت بر آنها" رعد/ ۲۳"

سلام ملائکه بر بهشتیان توأم با آرامش و امنیّت" نحل/ ۳۲-۳۳"

ملائکه تسلیم امر الهی اند بدون تکبر و غرور " نحل / ۴۹ "

فرق میان ابلیس(غرور و تکبر) و ملائکه (خضوع و تواضع) " اسراء ۶۱ "

خدا از بین ملائکه رسولی همچون جبرئیل ، و از بین انسانها فرستادگانی چون پیامبران می فرستد. " حج / ۷۵ "

دوری از خرافات که ملائکه خداوند را فرزندان خدا بدانند و این آغاز ورود در خرافات است! " صافات / ۱۵۰ "

استغفار ملائکه برای مؤمنان " شوری / ۵ "

مراحل ایمان در بشر اعتقاد به ، خدا ، رسول ، کتب آسمانی ، و ملائکه " بقره / ۲۸۵ "

در خواست ملائکه از خداوند و تقاضای رحمت برای عده ای که در ظلمت فرو رفته اند-دوری از جهل و نزدیکی به

تعقل و علم و تقوی " احزاب / ۴۳ "

حفظ حرمت پیامبر و عدم ایذاء ایشان ، و پذیرش ملائکه با فرستادن صلوات " احزاب / ۵۶ "

تسبیح رعد و برق و خشیت خدا در وجود ملائکه با تسبیح بر خدا که از فرمان خدا کوتاهی نکنند. " رعد / ۱۳ "

صف ملائکه و روح - و روح در این آیه ملکی است که حتی از جبرئیل برتر است " نبأ / ۳۸ "

فرشتگان تقدیر و سرنوشت و فرشته ای ما فوق فرشتگان " قدر / ۴ "

فهرست منافع:

:

- ۱- ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۵، جلد دوم. ۱۱۴۸-۱۱۵۲)
- ۲- علامه طباطبائی- تفسیر المیزان
- ۳- میزان الحکمه- ترجمه ری شهری-(۱۵ ج)
- ۴- ایت الله مکارم شیرازی- تفسیر نمونه
- ۵- جعفر سبحانی - اصالت روح- ناشر - مؤسسه تحقیقاتی امام صادق(ع)
- ۶- اینترنت - سایت حوزه نت - تحقیق
- ۷- شیخ طبرسی- مجمع البیان
- ۸- محمد فواد عبد الباقي - المعجم المفهرس- مکتب نوید الاسلام
- ۹- علی اکبر قریشی - فرهنگ قاموس قرآن - نشر دار الکتب الاسلامیه
- ۱۰- علی ابن الحسین بن شعبه الخرفی- تحف العقول (۲-ج) ترجمه بهراد جعفری
- ۱۱- دکتر علی غضنفری- اصالت روح از نظر قرآن
- ۱۲- سید شریف رضی- نهج البلاغه
- ۱۳- اینترنت - سایت اسلام کوئست- و سایت حوزه- و غدیر
- ۱۴- شفا ابوعلی سینا و شیخ ابن سینا اثری فلسفی، نگاشته حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا معروف به ابن الرئیس،
- ۱۵- محمد شجاعی، معاد یا بازگشت به سوی خدا،
- ۱۶- شیخ صدوق(ره)- علل الشرايع
- ۱۷- تحریر تمهید القواعد- ایت الله جوادی آملی